

کارگران - اسطوره‌های سرنوشت ساز ورق‌های بخش از وابستگی‌ها

داستان «کروپ» و «تالبوت» چیست و بکجا می‌تواند منتهی شود؟



دوره هفتم، سال سوم، شماره ۵۰۹ - دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰
مطابق با ۹ رجب ۱۴۰۱ - ۱۵۰ ریال

بمناسبت سالگرد شهادت

خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران



«من به اقتضای آتشی که بخاطر خدمت به خلق‌های ایران در دوران سینهام شعله می‌کشیدم، راه حزب توده ایران را برگزیدم و باید اذعان کنم که: جانم، استخوانم، خونم، گوشتم، پوستم و همه تار و پود وجودم این راه را راه مقدسی شناخته است و تمام ذرات سلول‌های بدن من و تمام ذرات وجودم، توده‌ایست».

نامه وزارت کشور به دادستانی کل انقلاب اسلامی درباره واگذاری دفاتر حزب توده ایران

پس از انتشار اعلامیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب اسلامی، دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران طی نامه‌ای به مراجع مختلف دولتی و قضایی، از جمله وزارت کشور، خواهان استرداد دفاتر حزب توده ایران شد.

در پاسخ نامه‌های حزب توده ایران به وزارت کشور، سرپرست اداره کل سیاسی وزارت کشور نامه‌ای به شماره ۳۱۶۹۹۳، بتاريخ ۱۰ اردیبهشت ۶۰، به دادستانی کل انقلاب اسلامی نگاشت و رونوشت آنرا جهت اطلاع برای حزب توده ایران ارسال داشته است، که در زیر عین آنرا میخوانید:

دادستانی کل انقلاب اسلامی
حزب توده ایران ضمن نامه شماره ۱۲۰ مورخ ۲۱ اردیبهشت ۶۰ و نامه مورخ ۲۲ اردیبهشت ۶۰ که متوجه آنان ریوست میباشند تقاضای تحویل دفاتر خود را نموده است. با توجه به اعلامیه ماده‌ای اصول دادستانی چنانچه حزب مذکور شرایط ارائه شده را رعلا پذیرد و اکتفا به دفاتر حزب مذکور شریک از اموال عمومی یا اموال فراریان یا مجبورالملك نباشد از نظر وزارت کشور بلامانع است.

۳۱۶۹۹۳
۲۰ اردیبهشت ۶۰
سرپرست اداره کل سیاسی
حزب توده ایران - حلف به نامه فوق‌الذکر جهت اطلاع
(سند و قلمی ۴۱۳۵۰۱ منطقه ۱۴ پستی تهران)

لازمه یادآوری است که:
اولاً حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی بود که اعلامیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب اسلامی را تأیید کرد. ثانیاً خانه حزب توده ایران ابرامی است، مالک خانه معلوم و در تهران است و کرایه خانه هم، با اینکه در اختیار حزب توده ایران نیست، به مالک خانه پرداخت میشود. لذا یاد دیگر از دادستانی کل انقلاب اسلامی و دادستانی انقلاب اسلامی در مرکز و در تمام شهرستانها انتظار داریم که - همانطور که در نامه‌های حزب توده ایران به این مراجع نیز آمده است - برای بازپس دادن دفاتر حزب توده ایران و خانه مردم اقدام کنند و بدینوسیله ضلالت قانونی و آزاد حزب توده ایران را که قتل سود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، تأمین و تضمین نمایند.

ملغون، یکی از اشکال وابستگی اقتصاد ایران به اقتصاد امپریالیستی آلمان فدرال بود. اینک در ایران انقلابی، همانطور که در زمینه‌های دیگر به سلطه انحصارات امپریالیستی خاتمه داده شده و می‌شود، به سلطه‌نظم‌ترین سرمایه‌های اقتصادی امپریالیسم آلمان فدرال نیز باید پایان داده شود. این امر مستلزم استرداد قرضه‌های ایران از «کروپ»، فروش سهام آن و پایان دادن به رشته‌های نامرئی سلطه غارتگرانه آن بر اقتصاد ایران انقلابی است.

مستفاد از ستر آئی تورپتشی-اسلام شده، فقط یاس‌آور، بلکه نگران‌کننده است. روزنامه اطلاعات (۲۰ اردیبهشت ۶۰) در خبری که به تاریخ سفر معاون وزارت اقتصاد و دارائی به آلمان فدرال اختصاص دارد، می‌نویسد: «... در مجموع سالانه کمپانی توبیچه ۲ قیبه در صفحه ۲»

تحریکات ضد انقلاب در نقده شدت می‌گیرد

● مزدوران بانده قاسملو - صدام حسین - اویسی بر شدت عملیات خود افزوده‌اند.

۱- افراد مسلح بانده قاسملو به افراد سپاه پاسداران، نیروهای بسیج و ارتشی در روستای دانه‌ک حمله کردند. بنا بر اطلاعات موقتی، در این حمله افراد اویسی و نیروهای باصلاح ارتشی آزادیبخش ایران (ساراکوبا) و ضدانقلابیون فراری نقش فعال داشته‌اند.
۲- به شهادت ژنرالین تعدادی قیبه در صفحه ۲

در ۲ روز گذشته:

۷ انبار مهمات و چند تانک دشمن نابود شد

وزندگان انقلاب در جبهه‌های نبرد علیه تجاوزگران صدامی، طی ۲ روز گذشته به پیروزی‌های جدیدی دست یافتند. در جریان این نبردها، ۳ تانک، ۷ انبار مهمات، ۴ کامیون حامل مهمات و تعدادی از افراد دشمن نابود شدند.
اطلاعیه شماره ۴۹۷ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در این مورد حاکیست که در جبهه توتسان، وزندگان نیروی زمینی مواضع دشمن را قیبه در صفحه ۲

از برنامه حزب توده ایران برای تثبیت، تحکیم و گسترش همه‌جانبه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران:

برای شکوفایی اقتصاد کشور

اقتصاد کشور ما در تمام دوران چنددهه‌ساله تسلط امپریالیسم و همدستان‌های آن، یعنی انگلستان، پهلوی، بزرگسالکان و کلان-سرمایه‌داران وابسته، به‌طور مشخص در جهت تأمین منافع اقلیت ممتاز و حداکثر غارتگری انحصارهای امپریالیستی و وابستگی‌شان در ایران تکامل یافته و با هزاران زنجیره اقتصاد جهان امپریالیستی وابسته است. برآمد چنین سیاست خائنانه‌ای این است که ما امروز شاهدش هستیم.

ثروت‌های طبیعی به‌درستی در قهرست عتی‌ترین کشورهای جهان جای دارد. کافی است در این چهارچوب اشاره شود که با آنکه منابع نفتی به‌وسیله کسریوم خون‌آشام امپریالیستی غارت می‌شود، تنها در ۵ سال قبل از قیبه در صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

دشنام و افترا به حزب توده ایران به جرم «دفاع از انقلاب»

بمناسبت سالگرد... بینه ازمنه ۱

تکران و تاراجاتند که یک حزب انقلابی چون حزب توده ایران، امکان محدودی برای فعالیت قانونی داشته است. آنها با این ابزار تکراری و تاراجاتی، مخالفت خود را با فعالیت آزاد و قانونی نیروهای انقلابی آشکار میکنند، بلکه مایه آزادی، مورد آگاهی خود را نیز نشان میدهند، که چیزی جز ساقی کردن چاه برای ضدانقلاب نیست، ضدانقلابی که اگر موفق شوند، فاشیسم را در مین ما مستقر خواهد کرد.

و سرانجام باید بپیمه دشنام گویان و افترازان به حزب توده ایران برای هزارمین بار گفت که تودمها چه سال است زیر رگبار گلوله و شکنجه و دشنام و افترا امپریالیسم و ارتجاع، برای استقلال آزادی و ترقی مین خون به قیمت خون گرومی از بهترین فرزندان خلق، یکبار می کنند چنین حزی را اگر با گلوله و شکنجه توان از میدان بدر کرد، با دشنام و افترا بطریق اولی نمیتوان

بار دیگر روزنامه «میزان»، در شماره شششنبه پانزدهم اردیبهشت ۱۳۶۰، یک ستون خود را به دشنام و افترا علیه حزب توده ایران اختصاص داده است. این بار فرد ناشناسی، باسم محمدقی عالمی، که «میزان» او را «حجت الاسلام» معرفی کرده، به حزب توده ایران دشنام داده و افترا زده و دفاع انقلابی آن را از جنبشوری اسلامی ایران «جایپلوسی» نامیده است.

در شان ما نیست که به دشنامها و افتراهائی که تکرار بارها بارها سالهاست، جواب بدهیم. اما آنچه باید ذکر کرد محتوای واقعی مطلب است، که در دفاع دشنام و افترا به حزب توده ایران، فرع آن قرار میگردد. نویسنده مطلب، ظاهراً به اصطلاح «جایپلوسی» ما را در برابر جریان انحصارطلب محکوم کرده، ولی در واقع دفاع ما را از انقلاب محکوم کرده است. نویسنده نامه و روزنامه مستترکننده آن، که ظاهراً از سینچانگان «آزادی» هستند، بویژه از این

داستان کروپ... بینه از منته ۱

اقتصاد ایران مطرح است. همزمان با سفر معاون وزارت امور اقتصادی و دارائی، خبیر معامله ۱۲ میلیارد پوندی بین «ایران لندریال» و کمپانی مافوق ملی انگلیسی «کالیوت» در جریان منتشر گردید. در این زمینه نیز، با وجود تکراری افکار عمومی، تاکنون توجه خاصه کندهای از جانب مقامات مسئول داده نشده است. بنا بر این احتمال نمیتوان پنهان داشت که صحبت بر سر «یکی از بزرگترین سفارشات صادراتی است» که تا بحال يك کمپانی انگلیسی بستم آورده است. در این معامله، مبلغ آن که خود رقم نجومی است، کمتر مطرح است. تا اصل آن که حداقل برای پنج سال دیگر صنایع اتمی ایران را وابسته و بی صورت مونتاز نگاه خواهد داشت.

پایان دادن وابستگی ایران به سرمایه های انحصاری امپریالیستی آلمان فدرال، و در این مورد شخص خانه دادن به سلطه «کروپ» بر اقتصاد ایران مطرح نیست، بلکه حسی صحبت از ادامه این روابط و «در درجه اول» قرار دادن استفاده ایران از «امکانات» گروه «کروپ» مطرح است.

از این جهت، غیر مزبور از بسط فوق العاده سلطه سرمایه های انحصاری آلمان فدرال بر همه شئون اقتصادی حکایت می کند. اجتماع گروه کار، شامل نمایندگان وزارتخانه های نفت و تلگراف و تلفن، صنایع نیرو، کشاورزی و راه و ترابری برای بررسی استفاده از امکانات کمپانیهای گروه «کروپ» بنشان. دهه است که از نظر انحصارات آلمان فدرال، سلطه بر تمام رشته های گرمی

است و با ویژگی های سیاست اقتصادی دولت انقلاب ازیان پیدا می کند. اگر دولت انقلابی اجرای سیاست اقتصادی رهائی اقتصاد ایران از سلطه انحصارات امپریالیستی، اتخاذ دارد (که ما به چنین انتقادی پور داریم) در آسودت باز کردن کانالهایی نظیر نفوذ «کروپ» و «کالیوت» در اقتصاد ایران، بیست هرگی صورت گرفته باشد، خطر جدی برای اجرای این سیاست بوجود می آید. مطالعه با «کالیوت» و ابتداء روابط گذشته با «کروپ» اساسی و بیان سیاست اقتصادی رهائی اقتصاد ایران از سلطه سرمایه های غارتگر انحصاری امپریالیستی را متزاول می سازد. می توان به تجدید وابستگی کشور ما متوجه شود. لذا این مسئله ای نیست که بتوان نسبت به آن بی تفاوتی مانی.

جالب اینکه وزیر صنایع و معادن نیز بیای روشن ساختن زوایای مبهم معامله بر سر و صدای ایران «تشیوایان» همراز تشکیل جلسه هیئت دولت، تقریباً با همان لحنی از این معامله یاد کرده است که اکنون آقای نورپوشی در مورد «کروپ» اظهار می کند: روزنامه ها از قول آقای وزیر صنایع و معادن نوشتند: «وزیر صنایع و معادن ضمن برطرف کردن عملکرد شرکتها و کارخانجاتی که لایق به ورود قطعات یدکی از خارج ندارند، مطالعه اخیر کارخانجات ایران تسلیتال را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد».

ظاهراً مسئله چندان مهم نیست و صحبت فقط بر سر معاملات ایران با دو کمپانی مافوق ملی آلمان غربی و انگلیسی است. اما در واقع موضوع بسیار جدی

زمینهای پهناور قابل کشت و زرع، امکانات عظیم برای دامداری و دامپروری یعنی همه و همه عواملی که برای شکوفائی اقتصاد ضروری است، در مین ما وجود دارد. ولی ما شاهد آن هستیم که در نتیجه تسلط جایزانه امپریالیسم فارنگر و سرسپردگانش، امروز مین ما حتی برای سوزن و پیچ و نان و گوشت و پنیر و هزاران مایحتاج کوچک و بزرگ دیگر، دستخیز به سوی بازارهای امپریالیستی دراز است.

آنچه ما امروز شاهدش هستیم، هر آمد تسلط ۶۰ ساله نظام

آرماندهائی از سلطه انحصارات امپریالیستی از بنیانهای اصلی اساسی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است.

باید با قطع رسته های باقیمانده تاریخی وابستگی اقتصاد ایران به اقتصاد امپریالیستی، باور مردم انقلابی را به استواری انقلاب یادور ساخت، نه اینکه با انجام ممالاتی که خطر اجداد نفوس و سلطه انحصارات امپریالیستی در اقتصاد ایران را در دیر دارد، در مردم نیست به اجرای یکبارز میترنیم خواستهای خون که ایجاد استقلال اقتصادی است، ایجاد شک و تردید کرد. این بزبان جدی انقلاب است.

در حال مردم ایران در انتظار آگاه شدن از مسائل فوق هستند که وعده آن نیز از جانب مقامات دولتی داده شده است.

چشمائی را بینداند خسرو روزبه مانع این حرکت شد و با صدای رسا گفت: چوچه گوش بفرمان من! سرهنگ جاوید پورخواست این صدا را معر کتند و لسی نتوانست. روزبه با صدای رسا و غیر قابل انتظار فریاد کشید: مرگ بر شاه خانی!

و زنده باد حزب توده ایران! در همین موقع رگبار گلوله به سوی یکر دلورش سرازیر شدند.

و باین ترتیب، رفیق خسرو روزبه، قربان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، شتاق سوزان جان خویش را در راه انقلاب بدر کرد. و طولی نکشید که فریاد همراگ برشاه به شمار اصلی خلق مبدل شد و بیاطق فتنک سلطنت را به زیاده مان تاریخ افکند. و همراه آن فریاد زنده باد حزب توده ایران، «سوار» بر دهان هزاران تودمهای جاری است، که در سنگرهای رزم و ایثار، می رزمند، تا راه رفیق شهید قربان خود را به پایان برسانند.

آنگون نقل تو تودمهای دست در دست نسل کنشاز تودمهای با خالره رفیق شهید بنیاد می بندند که دوشادوش خلق، کما بیروزی قلمی و نهائی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران بزمزند و امروز در سیب و سومین سال فریادان خسرو روزبه، در جان عاشق تو تودمهای یک روزبه قد بسمی افرازد و فتح فرما را تودم می دهد.

و ماه اردیبهشت، تنها نام خسرو روزبه را بپشوان شهید تودمهای در سینه خود حک کرده است. در این ماه رستا کوپک شوشتری (۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۳) و وارطان مالاخالیان (۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۳) رحیم شهنشاه (۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۲) افتاد دوست، لیکنوی، محبت خواه، معجزه پور، پاشلی (۲۳ اردیبهشت ۱۳۳۳) ابراهیم متاج (۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۲) گلنتری، فرغی، زکاتیه، چایان و غلظی زاده (۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۹) جان خویش را نثار خلق و انقلاب کرده اند.

در این ماه همچنین سالکشت قدان رستا عبدالحمین نوشین (۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۰) و مصطفی افراشته (۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۸) خالره آنها را در یادها زنده می دارد.

حزب توده ایران درود خود را نثار همه این رستای زنده می کند و یادشان را گرامی می دارد.

بزرگسالان و کلان سرمایه داران وابسته به امپریالیسم جهانی، آفت و راه نجات از این وضع فلاکتناز تنها در پایبندانه به اقتصاد نفیست. قنودالی و سرمایه داری وابسته است. تاریخ تمام آن کشورهای دنیای سونیه که در چاه شوم رشت سرمایه داری افتاده اند، و تاریخ کشور خودشان، به روشنی بر سرانجامی و فاتوانی این راه رشت را برای چیره شدن بر مقید مانده گی تاریخی تأیید کرده است. تنها سمت گیری در راه رشت غیر سرمایه داری، یعنی پایه ریزی اقتصاد مردمی، اقتصادی که هدفش و پیشرفته را برپا کرد.

بزرگسالان و کلان سرمایه داران وابسته به امپریالیسم جهانی، آفت و راه نجات از این وضع فلاکتناز تنها در پایبندانه به اقتصاد نفیست. قنودالی و سرمایه داری وابسته است. تاریخ تمام آن کشورهای دنیای سونیه که در چاه شوم رشت سرمایه داری افتاده اند، و تاریخ کشور خودشان، به روشنی بر سرانجامی و فاتوانی این راه رشت را برای چیره شدن بر مقید مانده گی تاریخی تأیید کرده است. تنها سمت گیری در راه رشت غیر سرمایه داری، یعنی پایه ریزی اقتصاد مردمی، اقتصادی که هدفش و پیشرفته را برپا کرد.

زمینهای پهناور قابل کشت و زرع، امکانات عظیم برای دامداری و دامپروری یعنی همه و همه عواملی که برای شکوفائی اقتصاد ضروری است، در مین ما وجود دارد. ولی ما شاهد آن هستیم که در نتیجه تسلط جایزانه امپریالیسم فارنگر و سرسپردگانش، امروز مین ما حتی برای سوزن و پیچ و نان و گوشت و پنیر و هزاران مایحتاج کوچک و بزرگ دیگر، دستخیز به سوی بازارهای امپریالیستی دراز است.

آنچه ما امروز شاهدش هستیم، هر آمد تسلط ۶۰ ساله نظام

انقلاب بیش از یکصد میلیارد دلار از فروش نفت به مارسید که آن خود سهم کوچکی از ارزش واقعی نفت فلز شده بود. این خود سهم کوچکی از ثروت های عظیم ملی است که می توان برای رشد اقتصاد مورد بهره برداری قرار داد.

مردم کشور ما از لحاظ فرهنگ ملی، استقامت، ایثار و پشتکار در قلمی به هیبت از ملت های دیگری کمبود ندارند. نیروی انسانی و ثروت های طبیعی مسا

برای شکوفائی... بینه ازمنه ۱

انقلاب بیش از یکصد میلیارد دلار از فروش نفت به مارسید که آن خود سهم کوچکی از ارزش واقعی نفت فلز شده بود. این خود سهم کوچکی از ثروت های عظیم ملی است که می توان برای رشد اقتصاد مورد بهره برداری قرار داد.

مردم کشور ما از لحاظ فرهنگ ملی، استقامت، ایثار و پشتکار در قلمی به هیبت از ملت های دیگری کمبود ندارند. نیروی انسانی و ثروت های طبیعی مسا

محمد زهوی

شهید رشید

پرخاک مرد هستی
گر اهل درد هستی
بیانم

— میان این همه غوغا —

سکوت کن

آزادوار زیست
آزادوار مسرد
با زندگی

بنا مترگنه
بایمردی ایمان را.

این است کارنامه مردی که مرده بود.

در سالهای سخت،
یادش چراغ روشن ما بود.

او در سینه دم،
با هر شهید،

تیرباران می شده
هر شب زینت بند،

با هر اسیر زندان،
فریاد می کشید.

او در میان صف بود
با ما بود.

با ما بهار را می خواسته
با ما شادی راه

با ما بهار خرم آزادی را ...

انگش
روژ به است

امید روز بهتر هم با ما.
اینگ بهار شادی

جای تو، ای شهید رشید سامروز
اینگ بهار خرم آزادی
خالی است.

اردیبهشت ۱۳۵۸

* در نخستین بهار آزادی، بر گورگاه خسرو روزبه خوانده شد.

۱۷ انبار مهمات... بینه ازمنه ۱

زیر آتش گرزت که در نتیجه آن تعدادی از سنگرهای اجتماعی و انفرادی و نیز یک انبار مهمات دشمن منهدم شد. در یکی از جبهه های غرب دزفول نیز بر اثر حمله رزمندگان انقلاب به نیروهای دشمن، ۳ تانک، ۴ انبار مهمات و یک کامیون حامل مهمات ارتش صدامی به آتش کشیده و منهدم شد. در این عملیات تعدادی از افراد دشمن کشته و زخمی شدند. در جبهه دیگری در همین منطقه، رزمندگان انقلاب با اجرای آتش سنگین توپخانه و خمپاره انداز، ۲ تانک دشمن را از کار انداختند و یک انبار مهمات آتافرا نابود کردند. در همین عملیات یک سنگر تیربار و یک موضع خمپاره کشیده و دشمن را به آتش کشیده و ۲۰ نفر از تجاوزگران صدامی به هلاکت رسانیدند. در جبهه های آبادان و خونین شهر بر اثر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین نیروهای خودی، ۲ کامیون حامل مهمات، دو خودرو، ۲ پستاد دیدهبانی، یک سنگر تیربار و یک سنگر بتونی دشمن نابود شدند.

در عملیات مشابهی در منطقه قاره، ۲ سنگر اجتماعی و انفرادی، یک موضع آرمی، ۷، یک انبار مهمات و یک محل تجمع دشمن نابود شد و به تعدادی از تانکها

تصحیح

در شماره ۵۰۸ نامه مردم به در مقاله «با اقتصاد شوروی - فتنه و بی زرق و برق کشور سوسیالیستی بهمان آشنا شویم» در جدول تولید فرآورده های دامپروری، واحد ارقام تولید تخم مرغ میلیارد داده است، که بطلان هزار داده چاپ شده است. در شماره ۵۰۸ نامه مردم به در مقاله «انتخابات مجلس نمایندگان در برلین غربی» مبالغه آمیزی منع کار بطلان نیز ذکر فریوت چاپ شده، که درست آن «روز فریوت» است.

و نیز یک توب ۱۳۰ میلیتری آسیب وارد آمد. در نبرد های ۲ روز گذشته، رزمندگان انقلاب همچنین موفق شدند حمله چند فروند هوابومی دشمن به شهرهای غرب و جنوب را خنثی کنند. تجاوزگران صدامی در مقابل ضرباتی که در جبهه های نبرده آبادان وارد شد، متعلق مسکوئی شهرهای سردشت، دزفول و آبادان را مورد حمله قرار دادند. در جریان حمله هوایی به آبادیهای سردشت که روز ۱۷ اردیبهشت صورت گرفته، ۲۵ نفر شهید و ۳۰ نفر زخمی شدند. در حمله های مشابه ارتش صدامی به تعدادی از منازل مسکونی ویران شد.

سیاست همزیستی مسالمت آمیز

چگونه سیاستی است؟

سیاست همزیستی مسالمت آمیز را هنوز برخی به غرض و برخی نیز به دلیل برخورد سطحی به مفاهیم لنوی «همزیستی» و «مسالمت آمیز» سیاسی اشتی جویانه و حتی سازشکارانه تعبیر می کنند، که گویا همین سوسیالیسم و امپریالیسم، بین دو ابرقدرت شوروی و آمریکا برقرار شده و با از هر دو سو در صدد در تلاش برقرار می آید. مفرضین را نمی توان علاج کرد، ولی برای رفع سوء تفاهم از بی غرضان، به نظر می رسد که می بایستی بار دیگر مضمون و خطوط اساسی سیاست همزیستی مسالمت آمیز را، ولو به اختصار، توضیح دهیم.

سیاست همزیستی مسالمت آمیز، سیاست صلح است

سیاست همزیستی مسالمت آمیز و خطوط اساسی آن را لنین تدوین کرد. این سیاست است که در تمام مدت ۶۳ ساله موجودیت اتحاد شوروی، مبنای اصولی سیاست خارجی این کشور بوده است و در آینده نیز خواهد بود.

پس از جنگ دوم جهانی و پیدایش دیگر کشورهای سوسیالیستی، این سیاست مورد پذیرش و اجرای سایر کشورهای سوسیالیستی قرار گرفت. با تلاش سیستم مستعمراتی امپریالیسم و با اعتقاد و گسترش جنبش های آزادی بختر و استقلال طلبانه پیدایش کشورهای مستقل، خطوط عمده این سیاست از سوی کشورهای مستقل در «جهان سوم» نیز پذیرفته و به موقع اجرا گذارده شد. همزیستی مسالمت آمیز اکنون سیاستی است که، در سطح جهانی، دائره عمل خود را در قباله با امپریالیسم همواره گسترش میدهد. سیاست همزیستی مسالمت آمیز، سیاستی سازشکارانه، یا سیاستی منفعل و یا سیاستی واکنشی نیست. برعکس، این سیاست است زنده، فعال، پویا و جویان، در جهت مبارز کردن سیاست تجاوزگرانه، سلطه جویانه، امارتگر و غارتگرانه امپریالیسم.

سیاست همزیستی مسالمت آمیز، قبل از هر چیز سیاست صلح، سیاست جلوگیری از جنگ است. این سیاست مبتنی بر این اندیشه های تئوریک تدوین شده است که، «اولاً» سرشت امپریالیسم تجاوزکارانه و جنگ طلبانه است، که جنگ تجاوزکارانه به زبان خلقها و زحمتکشان سراسر جهان فقط به سود انحصارات امپریالیستی است، که با جلوگیری از جنگ های تازاری امپریالیستی، جامعه جهانی گسترده می شود، که در شرایط صلح، رشد جنبش کارگری و مبارزه خلقها در کشورهای رشد یافته سرمایه داری علیه انحصارات امپریالیستی و حکومت آنها بهتر و بیشتر تأمین می شود، که ثانیاً انقلاب به زور و به وسیله جنگ صادر شدنی نیست، که در سایه صلح می توان شکوفائی هر چه سریع تر سوسیالیسم را تأمین کرد و برتری آن را بر نظام سرمایه داری رشد یافته، در تمام زمینه ها، در معرض دید همه خلقها قرار داد، که صلح متحد سوسیالیسم در مبارزه علیه امپریالیسم است.

تا اواخر سالهای ۱۹۵۰، که امپریالیسم برتر نبود، به سوسیالیسم نیروی برتر بود، اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز از سوی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای نوجوان

سوسیالیستی جنبه «تدافعی» داشت، به این معنی که، سیاست همزیستی مسالمت آمیز می گویند، تا آنجا که ممکن است، از در گرفتن جنگ جلوگیری کند، و تا آنجا که ممکن است، مدت صلح را درازتر نماید. ولی در نیمه دوم سالهای ۵۰، تناسب نیروها، به مقیاس جهانی، به سود صلح و بهزیان جنگ تغییر کرد. مطالعه عمیق علمی نشان داد که روند تغییر و تناسب نیروها به سود سوسیالیسم و به زیان امپریالیسم هم چنان و با سرعت همواره بیشتری ادامه خواهد یافت، بحران عمومی سرمایه داری شدت روز افزونی خواهد گرفت، دامنه جنبش کارگری و مبارزه زحمت کشان در کشورهای امپریالیستی گسترش بیشتری خواهد یافت، جنبش های آزادی بخش ملی برای رهایی از یوغ امپریالیسم با شتاب همواره بیشتری در «جهان سوم» توسعه خواهد پذیرفت، جنبش صلح - مبارزه عمومی برای جلوگیری از درگرفتن جنگ جهانی، که جنگ هسته ای - موشکی جهان سوزی خواهد بود، در سطح جهان گسترده تر و ریشه دارتر خواهد شد. نتیجه گرفته شد که: اکنون دیگر نه فقط می توان از گسترش جنگ جهانی برای مدتی جلوگیری کرد، بلکه اساساً امکان جلوگیری از جنگ جهانی وجود آمده است. جنگ جهانی دیگر اجتناب ناپذیر نیست، علی رغم سرکشت تجاوزکارانه و سیاست جنگ طلبانه امپریالیسم، امکان حفظ صلح وجود آمده و می توان و باید این امکان را تحقق بخشید.

بر این مبنای سیاست همزیستی مسالمت آمیز به مرحله نوینی گام گذارد و از «تدافعی» به «تعمیر» برداخت. هدف اساسی سیاست همزیستی مسالمت آمیز تحصیل صلح به امپریالیسم جنگ طلب و جنگ افروز قرار گرفت. «پورش» سیاست تشنج زدائی، «پورش بر» جنگ سرد، «پرش» سیاستی که جان فوستر دالسی و زور امور خارجه آمریکا - آن را تدوین و خودش آن را سیاست «حرکت بهر لبه پرتگاه جنگ» توصیف کرده بود، آغاز شد. مواضع جنگ سرد در اروپای غربی شکست برداشت، متحدین «ناویتی» آمریکا از شرکت مستقیم در جنگ تجاوزی آمریکا در ویتنام خودداری کردند، کار به آنجا رسید که نیکسون، جنگ طلب آن را در روزی می خواست مردم شوروی را از «بردی کونتم» نجات دهد، به سکورفت و زیر سندی را امضاء کرده طبق آن، دولت ایالات متحده آمریکا متعهد به رعایت و اجرای اصول همزیستی مسالمت آمیز در مناسبات خود با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شد؛ پس از یک مبارزه دراز مدت، انجام در «کنفرانس هلسینکی»، روسای دولت های ۱۱ کشور اروپایی به اضافه آمریکا و کانادا، به تاریخ اول اوت ۱۹۷۵ (۱۰ مرداد ۱۳۵۴) زیر «سند نهائی هلسینکی» را امضاء کردند و با این امضاء متعهد شدند که مناسبات خود را با یکدیگر، بر مبنای اصول مطرح در این سند، که همان اصول همزیستی مسالمت آمیز است، برقرار کنند.

دولت امپریالیستی تجاوزگر آمریکا - مشهور به «زاندنارم بین المللی» (و نیز برخی از متحدان او، نظیر انگلستان و دیگران) زیر این سند را به طیب خاطر امضاء نکردند. آنها مجبور به امضاء آن شدند. جروالد فورد - رئیس جمهور وقت آمریکا - قبل از حرکت به سوی هلسینکی، نطقی در تلویزیون ایراد کرد. او در این نطق از «مردم آمریکا»

مسالمت آمیز، در قطب مقابل یکدیگر قرار دارند، هیچ گونه سازشی بین آنها ممکن نیست، با یکدیگر در سطح جهان در نبردند.

حق خلقها در تعیین سرنوشت خود

هر خلقی حق دارد که سرنوشت خود را خود تعیین کند. این حق را سیاست همزیستی مسالمت آمیز به رسمیت می شناسد. امپریالیسم این حق را برای خلقها به رسمیت نمی شناسد. چرا نمی شناسد؟ برای اینکه خلقها هرگز نمی خواهند سرنوشت خود را طوری تعیین کنند که زیر یوغ امپریالیسم باشند، در عرض ستم و غارت فئودال و بزرگ مالک و کلان - سرمایه دار باشند. خلقها همیشه می خواهند سرنوشت خود را طوری تعیین کنند که مستقل باشند، آزاد و از حقوق انسانی برخوردار باشند. یک زندگی شایسته انسان داشته باشند. جنبش های خلقی همیشه محتوای اهداف مترقی داشته اند و دارند. انقلابها همیشه جنبشی به جلو بوده اند و هستند. هیچ خلقی انقلاب نمی کند که متلا نظام سرمایه داری را احیا کند. هدف هیچ انقلاب خلقی، حفظ فئودالیسم، حفظ نظام مستعمراتی، و در شرایط امروزین، حفظ نظام سرمایه داری استعمارگر نیست. همه خلقها می خواهند سرنوشت خود را بر مبنای رفیع ستیزی های سیاسی - اجتماعی - اقتصادی تعیین کنند. امپریالیسم با این حق تعیین سرنوشتی از سوی خلقها موافق نیست و نمی تواند موافق باشد. امپریالیسم امارتگر و جاهل گر است. غارت خلقها منبع حیات و ایام اوست. هر زمان و هر کشور، خلقی برای تعیین سرنوشت خود مبارزه می کند، انقلاب می زند؛ امپریالیسم برای سرکوب این جنبش و انقلاب به مداخله دست می زند؛ با مستقیم ضد انقلاب حاضر می کند و با غیر مستقیم شورش های ضد انقلابی سازمان می دهد، و آنگاه در پشتیبانی از این شورش های ضد انقلابی، نقاب طرفداری از حق تعیین سرنوشت خلق بر جهر می زند. سیاست همزیستی مسالمت آمیز بزمکی، نه فقط حق خلقها را در تعیین سرنوشت خویش، حق آنها را به مبارزه برای رهایی از سلطه امپریالیسم، حق آنها را به قیام علیه ستیزی و غارت، برای آزادی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خویش به رسمیت می شناسد و محترم می دارد، بلکه در برابر یوغهای امپریالیسم، پاسدار این حق است. سیاست همزیستی مسالمت آمیز مخالف با مداخله در امور داخلی کشورهاست. این مخالفت را در صورت تضاد خلقی رزنده کشوری که در معرض مداخله قرار گرفته، به صورت کمک به این خلق برای دفع مداخله، دفع صدور ضد انقلاب، سرکوب شورشهای ضد انقلابی ساخته امپریالیسم، نشان می دهد. کمک کشورهای سوسیالیستی مورد درخواست به کشورهای خلقی است که درگیر نبردی سرنوشت ساز با امپریالیسم تجاوزگر و جهان خوارند، نقض سیاست همزیستی مسالمت آمیز نیست، جزئی از آن است.

اصول سیاست همزیستی مسالمت آمیز

عدم توسل به جنگ و به نیروی مسلح و با تهدید به اعمال قهر مسلح برای تحصیل اراده و یا برای «جلب اختلافات» بین دولت ها، حل اختلاف بین دولت ها از طریق مذاکره مبتنی بر حسن نیت، شناخت تمامیت و مصونیت ارضی هر کشور از طرف دیگر کشورها، احترام بی حدت خود از سوی دیگر دولت ها و عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورها، برقراری مناسبات بین دولت ها بر مبنای حقوق کامل برابری و سود و صرفه متقابل عادلانه - اینها اصول سیاست همزیستی مسالمت آمیز است که در قطب مقابل اصول سیاست امپریالیستی قرار دارند.

اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز در مورد ایران

محتوا و نحوه اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز از جنبه مکتور

(بخوان: از هارترین محافل جنگ طلب امپریالیستی) غرض خاصی که مبارزات چین سقری می کند و «سند نهائی هلسینکی» را امضاء خواهد کرد! «سند نهائی هلسینکی» مانند آبی که در لانه مریخ ریخته شود، تمام محافل تجاوزگر و تشنج طلب و جنگ افروز امپریالیستی را به جنب و جوش افکند. امپریالیسم، کمزیر را زیر پای خود لرزان دید، بسر - کردگی امپریالیسم آمریکا، مجدداً به تلاش افتاد، تا جهان را به دوران «جنگ سرد» بازگرداند. کارتر برای دفع «خطر» همزیستی مسالمت آمیز، هر چه در توان داشت، انجام داد. اقدامات متعددی در جهت تیره ساختن مناسبات با اتحاد شوروی از سوی دولت آمریکا صورت گرفت. مجلس سنای آمریکا تصویب موافقت نامه «سالت ۲» را، که گام دیگری در جهت مهار سابقه تسلیماتی در زمینه اسلحه استراتژیک بود، «سالت» کرد. و اینک دولت ریگان سیاست تشنج فزائی و سازانندن سابقه تسلیماتی و تهدید به جنگ را دنبال می کند.

ولی همه اینها تلاشی است مذمونه، تقلاهی بهر تو خورده ای است که خطرناک است، ولی قدرت بی خطر کردن او وجود دارد. سیاست تشنج فزائی و جنگ افروزی امپریالیستی دیگر، راه دوری نمی تواند برود. برتری نیروی صلح و تنوع سیاست همزیستی مسالمت آمیز برکت پذیر نیست. امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، «هیچ غلطی نمی تواند بکند».

اصول سیاست همزیستی مسالمت آمیز

عدم توسل به جنگ و به نیروی مسلح و با تهدید به اعمال قهر مسلح برای تحصیل اراده و یا برای «جلب اختلافات» بین دولت ها، حل اختلاف بین دولت ها از طریق مذاکره مبتنی بر حسن نیت، شناخت تمامیت و مصونیت ارضی هر کشور از طرف دیگر کشورها، احترام بی حدت خود از سوی دیگر دولت ها و عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورها، برقراری مناسبات بین دولت ها بر مبنای حقوق کامل برابری و سود و صرفه متقابل عادلانه - اینها اصول سیاست همزیستی مسالمت آمیز است که در قطب مقابل اصول سیاست امپریالیستی قرار دارند.

این دو سیاست، سیاست امپریالیستی و سیاست همزیستی

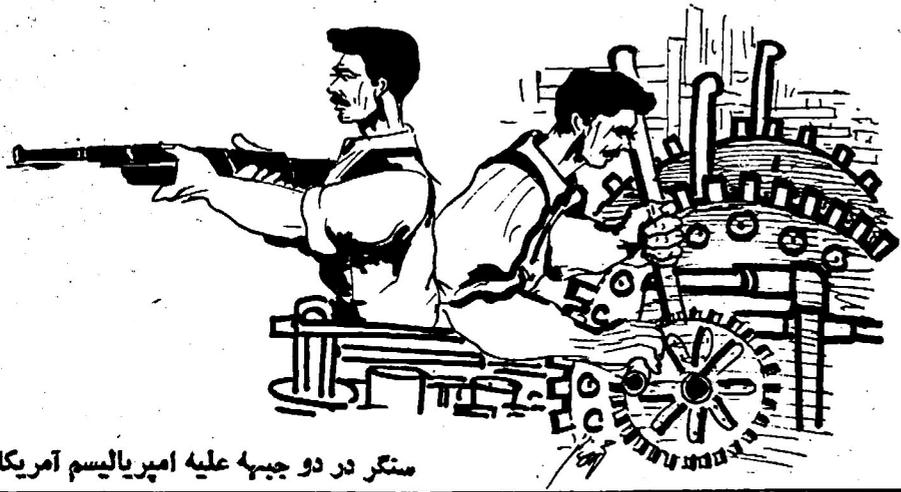
خودمان جمهوری اسلامی ایران - به وضوح می توان دید و آن را با سیاست امپریالیستی سنجید. هنوز قبل از پیروزی انقلاب ایران، آنگاه که بزرگسک و شیکاگو قصد سرکوب خونین آن را داشتند، اتحاد شوروی رسماً به آمریکا اظهار کرد که به وسیله بهانه و بهیچ وسیله، بخواهد به اعمال قهر مسلح حق مداخله در امور ایران را ندارد. پس از پیروزی انقلاب، این اظهار جندی تکرار شد. آنگاه که امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، برای کشتن انقلاب ما، تحریم اقتصادی ایران را در شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح کرد، اتحاد شوروی این تحریم اقتصادی را «زوت» کرد. همه اینها، در کنار پشتیبانی عمومی اتحاد شوروی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و اقدامات انقلابی امپریالیسم، سر - کردگی آمریکا، علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، کنک است که اتحاد شوروی در سطح بین المللی می توانسته است و می تواند نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انجام دهد. این کمک نزاری به درخواست نداشته است و ندارد. این اجرای سیاست مسالمت آمیز از یک سو است و از سوی دیگر اتحاد شوروی حق تعیین سرنوشت، حق تعیین نظام سیاسی - اجتماعی - اقتصادی را حق مردم ایران می داند و در آن کمترین مداخله ای نمی غیر مستقیم و نه بطریق اولی مستقیم نمی کند، نکرده است و نخواهد کرد. بنا به اصول سیاست همزیستی مسالمت آمیز، مداخله در امور داخلی دیگر کشورها ممنوع است. این هم جنبه دیگری از سیاست همزیستی مسالمت آمیز.

از جانب دیگر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، که بر مبنای اصول سیاست همزیستی مسالمت آمیزند، اعلام داشتند که در صورت درخواست جمهوری اسلامی ایران، حاضرند هرگونه کنکی که از دست آنها برمی آید، در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار دهند. این هم جنبه دیگری از سیاست همزیستی مسالمت آمیز. توسعه حمل و نقل کالا از راه ترانزیتی اتحاد شوروی و افزایش نسبی بازرگانی خارجی با اتحاد شوروی، به همان سببی که انجام گرفته اند و مورد درخواست ایران بوده است. این دیگر با دولت جمهوری اسلامی ایران است که در این زمینه و با دیگر زمینهها خواستار گسترش مناسبات اتحاد شوروی بود. آیا این سخنان مسا واقصیت است؟ اگر واقصیت است، آنگاه نه پروان خط بزرگسک، که با ترک «خطر» موهوم شوروی می خواهند راه بازگشت «معمام» را هموار کنند (به آنها حرجی نیست)، بلکه انقلابیون راستینی که دچار بیستی داورهای ضد شوروی و ضد کمونیستی هستند، به نظر می رسد که باید با توجه به این واقصیتها، در اندیشه خود تجدید نظر کنند، این واقصیت را بشناسند که اتحاد شوروی سیاستی جز سیاست همزیستی مسالمت آمیز با کشور ما ندارد، جز استقلال واقعی کشور ما، جز تقویت همه جانبه جمهوری اسلامی ایران را در مبارزه علیه امپریالیسم نمی خواهد. شناخت این واقصیت و، بر اساس آن، اتخاذ شیئی سیاسی در جهت گسترش مناسبات با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، که همزیستی مسالمت آمیز اساس سیاست خارجی است، می تواند بسیاری از دشواری های را که امروز کشور ما با آنها روبروست، برطرف کند، و نیز فردا، به برطرف کردن دشواری های که در جریان رشد کشور پدید خواهند آمد، کمک کند.

شاید افغانستان گره کار است

شاید «مسئله» افغانستان برای انقلابیون مسلمان راستینی که در بقیه صفحه ۶

کارگران - اسطوره‌های سرنوشت ساز و رهایی بخش از وابستگی‌ها



سنگر در دو جبهه علیه امپریالیسم آمریکا!

به مناسبت روز ۱۱ اردیبهشت روز همنسنگی رزمی کارگران و زحمتکشان جهان، امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بهمانی خطاب به کارگران میهن ما فرستادند. در این پیام امام خمینی، کارگر زحمتکش را «اسطوره سرنوشت ساز و رهایی بخش از وابستگی‌ها» نامیدند و بر این واقعیت تأکید کردند که کارگران بویژه پس از جنگ تحمیلی، با زحمت و شایستگی خود اثبات نموده‌اند که قادر به نجات کشور از زنجیر وابستگی هستند.

امام خمینی با تکیه بر این حقیقت که نخستین گام در راه دست یابی به استقلال، قطع وابستگی اقتصادی است، در دیدار با کارگران کارخانه‌های مختلف، کارگران دهقانان را ستون فقرات استقلال کشور و انقلاب نامیدند و ضمن تحلیل از مجاهدات و مبارزات کارگران در دوران قبل از انقلاب، که اعتصاب‌های دانشمندان و سراسری پیروزی انقلاب را تأمین کردند، اظهار امیدواری کردند که با کوشش خود انقلاب را همیشه ببرند.

طبقه کارگر که پیشاهنگ مبارزات خلق برای طرد امپریالیسم و تأمین استقلال میهن خویش است، در عین حال پیگوترین مبارز و تاپان انقلابی است. طبقه کارگر در مبارزات و زندگی با امپریالیسم و دست نشاندهگان آن فقط زنجیرهای خود را از دست می‌دهد و نه فقط این که با فداکاری و ایثار و شهادت خود، زنجیرهای برتری را از دست و پای میلونیاس همزیم و هم سنگر، که محرومان جامعه‌اند، می‌کشد. انقلاب ۲۲ بهمن و رویدادهای پس از آن، درجه والای رزمی و شجوهی

نیست که فعالیت گروه‌های کمبختلاف جمهوری اسلامی هستند و وابسته به احزاب هستند، باین دو قشر بیشتر توجه دارند و این دو قشر را بیشتر می‌خواهند به انحراف بکشانند... برادران و خواهران بهوش باشید که خدمت‌های ارزنده‌شمار راه کشور عزیز اسلامی با دست جفاپکار این گروه‌ها به خدمت امریکا کشیده نشود.

طبقه کارگر بویژه پس از آغاز جنگ تحمیلی بیش از پیش نشان داد که هرگز به امپریالیسم و دست نشاندهگان مزدوران اجازه سلطه مجدد بر میهن انقلابی خویش را نخواهد داد. با شروع جنگ خمینی، کارگران زن و مرد آتشین‌ها را بازداشتند و در جبهه و پشت جبهه

نمونه‌های شهادت و کار و ایثار انقلابی آفریدند. کارگران همراه با دهقانان زحمتکش، کارتدارک جبهه را به دوش گرفتند و ضمن آنکه بخشی از این ارتش پر شمار رنج و کار، سلاح برکف در خط مقدم جبهه علیه مزدوران صدام می‌جنگد و با خون خود از استقلال کشور دفاع میکند، بخش دیگر وظیفه کمک به جبهه را از نظر تأمین خوراک و پوشاک تمام ابزارهای جنگی و ساخت قطعات بدنی در حدود امکانات و توانائی‌های خود بر دوش گرفته‌است.

طبقه کارگر، علی‌رغم همه محرومیت‌های فزاینده ناشی از گرانی تورم، فقدان بهداشت و امکانات رفاه‌آمیز، در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها همه

نیروی کار و شور انقلابی خود را به میدان آورده و تداوم متجاوز را از خاک خود نرانند و چرخ کارخانه‌ها را بر مدار تأمین استقلال اقتصادی کشور بگردانند در نیابرد، آرزای نخواهد نشست. طبقه کارگر بر اساسی اسطوره سرنوشت ساز میهن انقلابی و هموطنان زحمتکش خویش است و نقش قاطع خود را در تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور ایفا خواهد کرد. طبقه کارگر به راستی عامل مهم رهایی کشور از وابستگی‌هاست و عزم راسخ دارد که با بازوی توانای خود، تمام زنجیرهای وابستگی به امپریالیسم، را درهم بشکند و میهن خویش را بسوی مرزهای تهنیزی پیش ببرد.

موانع فعالیت آزادانه حزب توده ایران در شهرستان ورامین را از زمین بیرون

ایجاد موانع بر سر راه فعالیت های انقلابی امضاء و هواداران حزب توده ایران به سود ضد انقلاب است. در راه فعالیت آزادانه امضاء و هواداران حزب توده ایران در منطقه ورامین کارگشکی‌های فسادآمیز صورت می‌گیرد.

اعضا و هواداران حزب توده ایران بر سر راه فعالیت ورامین مانند تمام توده‌های در سراسر ایران، به مناسبت فرارسیدن اول ماه، روز جهانی کارگر، به شعار نویسی و جمع شدن پلاکارد - های بر دیوارهای شهر پرداختند. در دفاع از انقلاب و زحمتکشان و مستضعفان تشکیل می‌داد. لیکن رفقای ما در طول فعالیت خود با مشکلات و کارگشکی‌های فراوان روبرو شدند. از جمله در روز ۱۴ اردیبهشت، توسط فردی که رئیس شهرستان ۱۵ خرداد ورامین است، مورد تازاکوشی و هتاکی قرار گرفتند و به کمیته انتقال یافتند. این برخورد روز ۱۷ اردیبهشت توسط فرد دیگری، که رئیس کمیته پوس سرویس کارخانه قند این شهر است، تکرار شد. اینبار رفقای ما تحمل جبهه پاسداران نداشتند. در برخورد و برخورد مسئولین کمیته و سایر بازرگانی‌های غیر مستولانه رفقای ما بازداشت گردیدند و تحویل دادگاه انقلاب دادند. خوشبختانه رئیس و مستولین دادگاه انقلاب با برخوردی درست، منطقی و درخور انقلاب، رفقای ما را آزاد کردند.

در روز ۱۷ اردیبهشت همچنین تن از رفقای ما توسط پاسداران در منطقه بنام پویانک دستگیر شدند و به کمیته تحویل انتقال یافتند. اینبار نیز مسئولین دادگاه انقلاب رفقای ما را آزاد کردند و رئیس دادگاه از جمله گفت:

ما همچنین از رفتار منطقی، مسئولانه و درخور انقلاب مسئولین دادگاه انقلاب تقدیر می‌کنیم. ما از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران مصرا می‌خواهیم که از ایجاد هرگونه مانع در راه فعالیت آزادانه امضاء و هواداران حزب توده ایران در تمام نقاط کشور و منجمله در شهرستان ورامین و اطراف آن جلوگیری کنند.

عوامل مسلح فتودالها در جاده‌های بیستان و بلوچستان ناامنی بوجود آورده‌اند

عوامل فتودالها و خان‌ها در بیستان و بلوچستان با حمله بخودرو - های که از جاده‌های بین منطقه به خصوص "نوآباد" و اطراف ایرانشهر عبور می‌کنند، جو ناامنی در منطقه بوجود آورده‌اند.

به اینکه اکنون کلیه خودروهادر جاده‌های این منطقه توسط مأمورین پاسگاه زاندارمری گروهان بم کنترل می‌شود و هر دو ساعت یکبار بوسیله مأموران مسلح زاندارمری تا ناحیه "بزگان" اسکورت می‌شوند لیکن هنوز امکان حمله عوامل ضدانقلاب در این ناحیه وجود دارد. زیرا که اولاً زاندارم - های مسئول اسکورت، که در جاده بم - ایرانشهر کار می‌کنند، فاقد دستگاه های بی سیم مخابراتی هستند، و ثانیاً در فاصله راهی که خودروها در آن اسکورت می‌شوند و طول آن ۱۵۰ کیلومتر است، اشرار می‌توانند به خودروها حمله کنند و بدون اینکه مأموران مستقر در دو سمت جاده، یعنی در "اداره بهمه مسجد یا ابوالفضل و نیز در "بزگان" اطلاع

بیبدا کنند، دست به جنایت و دزدی بزنند. همچنین عوامل ضدانقلاب وابسته به خوابین در فاصله ایرانشهر به چاه - بهار نیز با اقدامات خود ناامنی زیادی بوجود آورده‌اند. اکنون ارتفاعات این راه، که حداقل ۲۵۰ کیلومتر طول دارد، توسط افراد لشکر ۸ زرهی زاهدان و زاندارمری ایرانشهر، در هنگام عبور کاروان خودروها، محافظت می‌شود. عبور از این جاده روزانه فقط یکبار انجام می‌گیرد. مأموران زاندارمری و افراد ارتش جمهوری اسلامی ایران تاکنون توانسته‌اند این راه را بخوبی محافظت کنند.

ما از مقامات مسئول استان می - خواهیم که با مبارزه قاطع با عوامل مسلح فتودالها و خان‌های این منطقه، از عملیات آشوبگرانه آنان، که می‌تواند ناامنی در سطح استان می‌انجامد و زمینه مناسبی را برای فعالیت‌های توطئه - گرانه دیگر عوامل ضدانقلاب ایجاد می‌کند، جلوگیری کنند.

نظارت در امر تولید کارخانه‌های دولتی، یکی از وظایف اساسی دولت است

کارخانه "دورال" (تهران) - تولیدکننده انواع پروتئیل آلومینیوم و نیز سازنده دروینچره آلومینیومی، تحت پوشش وزارت صنایع و معادن است و اداره امور آن به عهده مدیران دولتی است. "دورال" نزدیک به دو ماه تعطیل بود و مسئولین علت آنرا "حسابرسی" اعلام کرده‌اند. کارخانه تمام تولید خود را تا شهر پیرماه پیش فروش کرده و تا آن زمان از فروش محصولات خود به متقاضیان معذور است. بسیاری از محصولات کارخانه، با دارنحصار خود کارخانه است و باید اختیار افرادی قرار دارد که قالب‌های تولید قطعات را خریداری کرده‌اند، لذا از فروش آن قطعات به مردم خودداری می‌کنند، به این عنوان که "اختصاصی" است.

وضع آلومینیوم در بازار بسیار بد است، چون در انحصار افراد محدودی قرار دارد و آنها هم با ایجاد بازار سیاه، قیمت آن را به مقدار زیادی افزایش داده‌اند. با توجه به نکات ذکر شده و در شرایطی که کشور احتیاج مبرمی به تولید این محصول دارد، تعطیل کارخانه بعدت دو ماه، عرضه نکردن تولید به مردم و پیش فروش کردن آن، به هیچ وجه به سود انقلاب نیست. مسئولان وزارت صنایع و معادن باید در امر تولید کارخانه نظارت کافی بعمل آورند و محتکران و خرابکاران را بدست قانون بیچارند، تا از سوء - استفاده عده‌ای سرمایه‌دار ضدانقلابی جلوگیری عمل آید.

نمایشگاه سالروز جمهوری اسلامی ایران در شیراز

به مناسبت سالروز جمهوری اسلامی ایران، ۱۲ فروردین، نمایشگاهی عکسی با نام "استوارت های انقلاب" که از میان آتش و خون پلست آسمه، از سوی سازمان حزب توده ایران در شیراز، در این شهر برپا شد. در این نمایشگاهها، که با عکس‌هایی از امام خمینی رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آذین شده بودند، دستاوردهای انقلاب با طرح، عکس و از قلم به نقاشی گذاشته شده بود.

حزب توده "نامه مردم" در شیراز در گزارش در این مورد می - نویسد: "نمایشگاه عکس در تقاط زحمتکش تین شهر و همچنین در تقاط مختلف دیگر شهر، مانند خیابان قآنی، فلکه شاه چیراغ و دروازه امصهان و... به نقاشی گذاشته شده بود. این نمایشگاه به مدت ۴ هفته از تاریخ ۵ فروردین ۶۰ برپا شد و در تمام طول پربایی آن مورد استقبال مردم زحمتکش شیراز قرار گرفت."

طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

خواست اصلی کشاورزان گرمسار، اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی است

کشاورزان گرمسار (در استان سمنان) نامه‌ای به ریاست مجلس شورای اسلامی نوشته‌اند و ضمن اشاره به توطئه‌های بزرگ مالکان و اربابان، خواستار اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی شده‌اند.

این نامه، که به امضاء گروهی از دهقانان تأیید شده است، بشرح زیر بیانگر مهم‌ترین مشکل فکلی دهقانان گرمسار است:

بسم الله الرحمن الرحیم

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

بمکتوروزان بگوئید ما نه طرفدار فتودال هستیم نه طرفدار سرمایه‌دارها (امام خمینی)

بایرورزی انقلاب اسلامی همانطور که انتظار میرفت و سرود در جهت تحقق اهداف انقلاب یعنی استقرار حاکمیت مستضعفین برزندگی و سرنوشتشان با تصویب طرح اصلاحات ارضی اسلامی که زیر نظر فقهای بزرگ آیت‌الله منتظری و آیت‌الله مشکینی تهیه شده است تویذی گردید برای یکی از محروم‌ترین اقشار این کشور یعنی کشاورزان که پس از سال‌ها و بلکه قرن‌ها رنج و محرومیت از سلطه خان‌ها و مالکین را الوصف رهائی پیدا

نمایند ولی پس از تصویب و شروع اجرای طرح خان‌ها و فتودال‌ها و حامیان آنها به دست‌وپا افتاده و فریاد و اسلاما سر دادند و در راه انجام این طرح و کار برادران هیئت‌های هفت نفره اشکالات و موانع ایجاد نمودند. ما کشاورزان گرمسار ضمن اعلام حمایت مجدد خود از انقلاب اسلامی و رهبر کبیر آن امام خمینی و اعلام آمادگی جهت هر گونه فداکاری و جانبازی در راه اهداف انقلاب اسلامی و مبارزه با دشمنان انقلاب خصوصاً شیطان بزرگ آمریکا جنایتکار و رژیم کافر عراق از مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان خواستار آن هستیم که باتوجه به جو روستاها و ایجاد زمین‌های نارضایتی و نفوذ ضدانقلاب در روستاها موجبات اجرای سریع این طرح را که به تأیید آیت‌الله منتظری خلاف شرع نیست فراهم آورند. مسلماً مالک‌کشاورزان مسلمان و ازبند رسته اجازه نخواهیم داد تا دومرتبه خان‌ها و فتودال‌ها حاکم بر سرنوشت و زندگی‌مان گردند.

روانش - تهران - مجلس شورای اسلامی - شورای نگهبان - روشنت - تهران - روزنامه‌های کثیر-الانتشار

با واگذاری اراضی مصادره شده فتودال طاغوتی در «تل مویزی» برشوردهقانان تهیدست در بلا بردن تولیدیافتد!



در روستای «تل مویزی» بایانکه اراضی مرغوب و حاصلخیز فتودال طاغوتی مصادره گردیده است. لیکن هنوز به صاحبان اصلی آن، یعنی دهقانان تهی-دست داده نشده است.

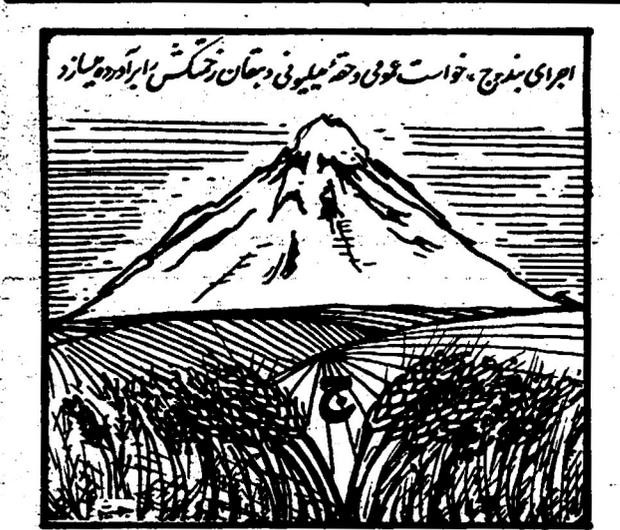
روستای تل مویزی در ۵۵ کیلومتری چهارمیان قرار دارد (تعداد ۳۵ خانوار ساکن) فتودال سابق این روستا، که بر طبق حکم دادگاه انقلاب اسلامی اهواز اعدام شد، در زمان رژیم گذشته اراضی مرغوب را که حدود ۹۰ هکتار (هر هکتار ۱۰۰ سواد) است، غصب کرده بود. بدین جهت اهالی با مجابا برای امرار حیات به کشت زمینهای نارضایتی و دستخیز در فاصله ۵ کیلومتری، کتبلا با پروردند، برداشتند. در حال حاضر بایانکه ۲ سال از انقلاب میگذرد و اموال و دارایی زمینهای فتودال مصادوم مصادره شده‌اند، لیکن متأسفانه هنوز به خواست اهالی در مورد واگذاری این زمین‌ها به صاحبان اصلی آنها پاسخ داده نشده و فعلاً توسط جهاد سازندگی کشت می‌شوند.

باتوجه به اینکه «اراضی آباد شده توسط اقوام یا شرکت‌ها که دادگاه صالح اسلامی با مستردا آنها حکم داده است» مشمول بند «ب» قانون اصلاحات ارضی هستند، لذا لازست که هر چه زودتر به دهقانان مستحق واگذار گردند. واگذاری قانونی اراضی به دهقانان موجب افزایش شور آنان در بلا بردن تولید میگردد. ضمناً چون زمین کشت باید به دایر کردن زمین‌ها توجه جدی

زنان و دختران و کودکان روستای تل مویزی، که سالیان سال در محرومیت و فقر بسر بردند، در دوران انقلاب بزرگان می‌خواهند که با واگذاری زمین به سرپرستانشان، روی فامو بر خوداری از نعمت‌های زندگی را ببینند.

مغلوب شود. همچنین با توجه به مرغوب بودن زمین و ذخیره غنی آب-های زیرزمینی، میتوان در این زمین-ها چاه‌های عمیق حفر کرد و با تشکیل یک تعاونی تولید در عمل تعداد ۷ خانوار بدون زمین روستا را نیز دران شرکت داد. و مطابق برنامه‌ریزی صحیح میزان تولید را بالا برد و زمین‌های تازه ای را بزرگت برد.

در روستای تل مویزی اداره بهداشتی، در بهمن سال گذشته، عملیات حفاری چاه آب آشامیدنی را بپایان رسانده و قرار است، که بعد از رسیدن لوله عملیات لوله‌کشی وضع آب به پایان رسد. از دیگر خواست‌های روستائیان، تویازی روستا و نیز شن-ریزی ۲ کیلومتر جاده ارتباطی با مرکز بخش است.



راه پیمائی عشایر بختیاری در قله حمایت از اجرای بند «ج»

عده‌ای از عشایر بختیاری روز ۲۱ فروردین ۶۰، ضمن یک راه پیمائی، با لباس‌های متحدالشکل مجلسی، در خیابان‌های قم خواستار اجرای بند «ج» شدند. آنها پلاکاردهائی در دست داشتند و مطهر تازه‌ای از حق-طلبی و حمایت از برنامه انقلابی دولت را به نمایش گذاشتند.

ما نیز از مقامات مسئول بار دیگر مصراحت می‌طلبیم که هر چه زودتر با اقدامات عاجل و سریع به این خواست زحمتکشان ایران پاسخ مثبت دهند، و همانطور که بوجد داده شده است مجلس و دولت مشترکاً در این زمینه اقدام کنند و هر چه زودتر دستور العمل اجرای بند «ج» و بند «د» مربوط به اراضی باسرو دایر بزرگ مالکان صادر گردند.

عمل قاطع و انقلابی نهادهای انقلابی در تقسیم زمین‌های مالک روستای «قلندریه» و دستگیری ابادیش، مورد تأیید دهقانان زحمتکش است

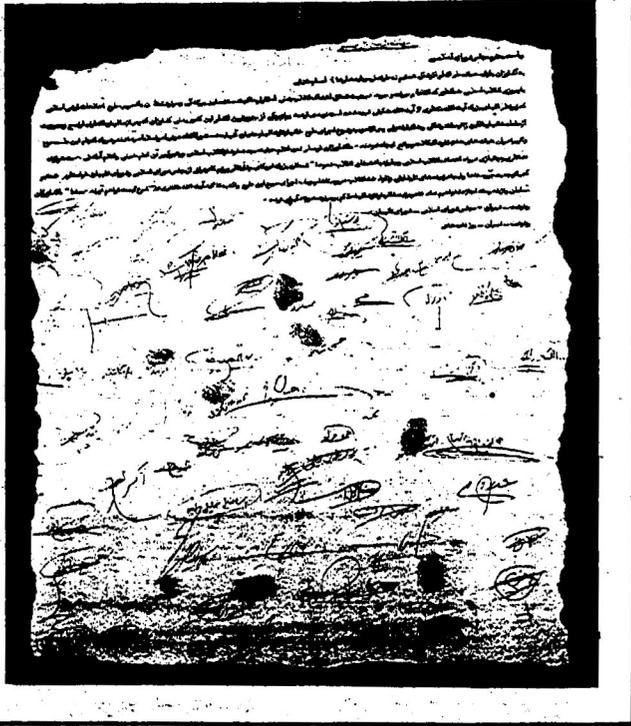
داخل قلعه رفت. سپاه پاسداران موفق شد سعود و منصور، دو برادر عبدالعنان والی را دستگیر کند و به شهر آورد.

عمل انقلابی دادستان انقلاب، شورای هفت نفری واگذاری زمین و سپاه پاسداران، کاملاً مورد تأیید دهقانان زحمتکش است. این عمل انقلابی پاسخ دندان شکنی بود به مالک بزرگ این روستا، که سالها خون دهقانان را در شیشه کرده بود. لازم است که خود عبدالعنان خان والی هم دستگیر شود و به مجازات اعمال تنگنیش برسد.

باتوجه مالکان بزرگ فقط از راه عمل قاطع و انقلابی می‌توان مقابله کرد. اگر در دیگر روستاهای میهنمان با همین قاطعیت عمل کنیم، مطمئناً نه دیگر بزرگ‌مالکی باقی خواهد ماند و نه توطئه‌های که انقلاب را تضعیف کند. همین راه است که اقتصاد کشور را اعتدالی بخشد.

عبدالعنان والی کسی است که در زمان رژیم گذشته توانست با تصرف زمین‌های دهقانان زحمتکش و اجرای «اصلاحات ارضی» تفرقه بیندازد. صاحب ۶۰۰ هکتار از زمین‌های روستاهای اطراف ساوه و روستای قلندریه بود. وی اکنون تحت پیگرد قانونی است.

در زمان طاغوت بسیاری از دهقانان مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدند. به‌دلیل انقلاب، در حدود ۱۰ الی ۱۲ نفر از این دهقانان، که در شهرستان قم بودند، به قلندریه برگشتند. تا بر روی زمین‌های خود زراعت نکنند. این مسئله باعث بروز درگیری‌هایی با عبدالعنان والی و پسرانش شد. در سال گذشته آنها نتوانستند بیش از نیمی از زمین-های متعلق به خودشان را کشت کنند. آنها خواستار گرفتن روستا بقیه زمین‌ها هستند، که مجموعاً ۴۰۰ هکتار است. این خواست حق و قانونی است. بایانکه میان دهقانان از یکطرف و مالک بزرگ



نظر سه مقام مذهبی درباره شرعی بودن قانون اصلاحات ارضی

حجت‌الاسلام قاضی هندی، حاکم شرع و دبیر هیئت‌های واگذاری زمین: «امام رسا به آیت‌الله منتظری، آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله بهشتی دستور دادند که قانون واگذاری زمین را مورد بررسی قرار دهند و چنانچه با اصول اسلام منطبق بود، به اجرا در-آورند. که آقایان بهشتی، منتظری و مشکینی این طرح را بررسی و مورد تأیید قرار دادند...»

اگر نظر خود رهبر انقلاب و سپاه کسلی که اهل نظر هستند، شرط اسلامی بودن طرح باشد، که می‌بینیم آنها نظر خود را اعلام کرده‌اند و این قانون در

شورای انقلاب اسلامی تصویب شد و به تأیید سه مجتهد عادل نیز رسید. به این ترتیب، طرح واگذاری زمین هم جنبه قانونی دارد و هم جنبه شرعی. (مباحثه با روزنامه اطلاعات، ۲۷ بهمن ۵۹)

آیت‌الله مشکینی: «گفتند این طرح مخالف اسلام است، باین طرح، طرح کمونیستی است و امثال این مطالب، البته عمدتاً دامن زدن به تشویش فتنه از ناحیه سرمایه‌داران و زمینداران انجام گرفت.»

آیت‌الله منتظری: «بند «ج» مخالف با شرع نبود.»

آیت‌الله منتظری: جامعه‌مان نیازمند به یک انقلاب اقتصادی است. تمام نهادها و ضوابط و روابط فاسد سرمایه‌داری و استثمار را باید از بین برد.

«شورای ملی فلسطین» را بشناسیم

بعدا از اجلاس دمشق نیز کمکان این مقام را درست خواهد داشت.

وظائف «شورای ملی فلسطین» را در فاصله اجلاس‌های آن، شورای مرکزی سازمان آزادی‌بخش فلسطین ایفا میکند.

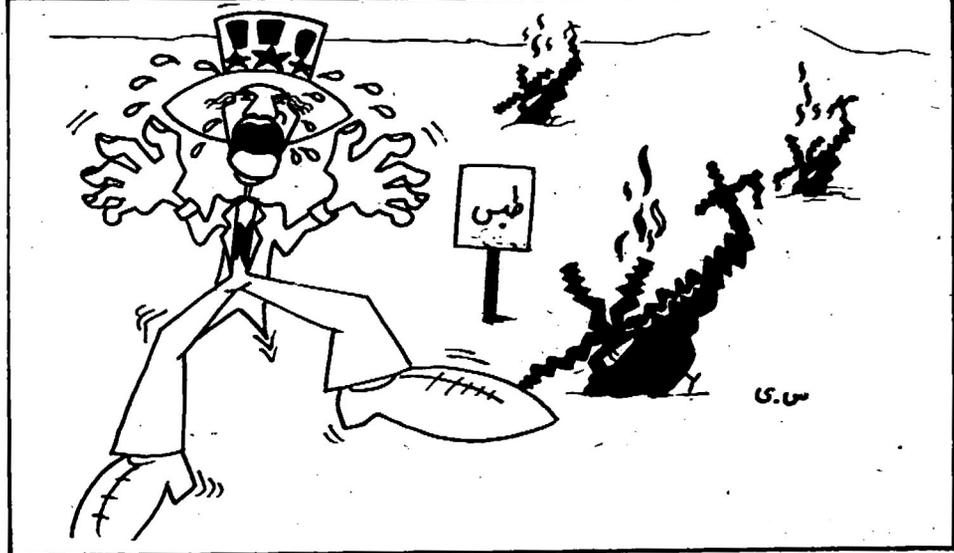
این نهاد از ۲۱ نفر، یعنی صدر «شورای ملی فلسطین» (که در عین حال ریاست

«شورای مرکزی» را برعهده دارد)، صدر و اعضای «کمیته اجرایی» و نمایندگان سازمان‌های جداگانه و «جبهه ملی فلسطین» در مناطق اشغالی، تشکیل میشود.

۳۰۱ عضو، مرکب از نمایندگان سازمان‌های معروف جنبش مقاومت فلسطین، سازمان‌های توده‌ای، اتحادیه‌های حرفه‌ای و «جبهه ملی فلسطین» در مناطق اشغالی و شخصیت‌های مستقل تشکیل می‌گردد. از جمله دیگر وظایف «شورای ملی فلسطین» عبارتست از: انتخاب «کمیته اجرایی» و صدر «صندوق ملی فلسطین» (خزانه‌دار سازمان آزادی‌بخش فلسطین).

یاسر عرفات، که ۲۰ سال پیش در پنجمین اجلاس «شورای ملی فلسطین» بمصر صدر «کمیته اجرایی» سازمان آزادی‌بخش فلسطین انتخاب شد،

چنانکه بموقع خود خبر دادیم چندین‌بار پیش پانزدهمین اجلاس «شورای ملی فلسطین» در دمشق، پایتخت سوریه، برگزار شد. «شورای ملی فلسطین» بعنوان پارلمان خلق عرب فلسطین، بالاترین نهاد سازمان آزادی‌بخش فلسطین به‌شمار میرود و درباره مسائل بنیادی سیاست این سازمان تصمیم می‌گیرد. برپایه اساس نامه «سازمان آزادی‌بخش فلسطین»، اجلاس «شورای ملی فلسطین» هر ساله یکبار برگزار می‌شود. «شورای ملی فلسطین» اکنون از



امریکا به اسم آمریکا خواهد بود؟ آیا تردید هست که در آن صورت افغانستان به یک کانون ضدانقلابی، بویژه علیه جمهوری اسلامی ایران بدل خواهد شد؟ آری، در صورتی که توطئه «امریالیستی موقف شود، افغانستانی که امروز دست دوستی سوی جمهوری اسلامی ایران دراز می‌کند، بدل به افغانستانی خواهد شد که مانند رژیم «اسلامی پاکستان»، رژیم «اسلامی عراق»، رژیم «اسلامی عربستان»، عمان، اردن و مراکش و دیگر رژیم‌های «اسلام آمریکائی»، دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

نه، مسئله «افغانستان نمی‌تواند و نباید گرهی در کار شناخت مضمون، مبانی و اهداف سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز، سیاست خارجی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای پیرامون این سیاست باشد. همانطور که کمک نظامی الجزایر به پلپاریس، کمک نظامی لیبی بمجاهد، کمک نظامی سوریه به لبنان و به جنبش آزادی‌بخش فلسطین، تجاوز و اشغال‌گری نیست، کمک نظامی شوروی به رژیم ضد-افغانستان انقلابی، به رژیم ضد-امریالیستی و مردمی افغانستان، اشغال‌گری و تجاوزگری نیست، کمک و همسنگی انقلابی و انترناسیونالیستی

گره کار، پیشداوری‌های ناشی از تبلیغات دراز مدت امریالیستی ضد کمونیستی و ضد شوروی است، که مانع از شناخت واقعیت اتحاد شوروی سیاست این کشور و دیگر کشورهای سوسیالیستی و حتی دیگر کشورهای غیر سوسیالیستی است، که اصول همزیستی مسالمت‌آمیز را اساس سیاست خارجی خود قرار داده‌اند، مانع از شناخت جبهه جهانی ضد-امریالیستی و اعضا و گردان‌های این جبهه است، مانع از این است که ما بعنوان کشوری با رژیم ضد-امریالیستی و مردمی، دست‌بست دیگر اعضا و گردان‌های این جبهه، بر امریالیسم به سرکردگی آمریکا - دشمن مشترک همه خلق‌ها - آسان‌تر غلبه کنیم، بر توطئه‌ها، دشواری‌ها، کمبودها آسان‌تر تفاق آیم، باگام - های بلندتر به سوی بیروزی قطعی و نهایی کام برداریم.

این گره را باید گشود.

امریالیسم مداخله مسلحانه می‌کند. واقعیت اینست که حضور نظامی شوروی در افغانستان، بنا به درخواست و درخواست مکرر - دولت افغانستان، برای جلوگیری از خطر تهاجم امریکایی از خارج (نظیر تهاجم صدامی به کشور ما) و بر مبنای قرارداد منعقد بین دو کشور افغانستان و شوروی صورت گرفته است، و اگر چنین درخواستی نمی‌شد، طبعاً و قطعاً نیروهای مسلح شوروی وارد افغانستان نمی‌شدند. این حضور نظامی کمکی، که برای رفع خطر تهاجم امریکایی از خارج به وقوع پیوسته، کمترین وجه تشابهی با تجاوز و اشغال‌گری ندارد و چنانکه رسماً از سوی اتحاد شوروی به کرات اعلام شده، در هر لحظه که دولت افغانستان بخواهد، نیروی شوروی خاک افغانستان را ترک خواهد کرد.

واقعیت دیگر اینست که، برخلاف تبلیغات سواپا دروغ امریالیستی، که طبق آن تا کنون صدبار قندهار توسط «مجاهدین» تصرف شده و پنجاه بار کابل «تقسیم» شده و هر روز صدها تانک و ده‌ها هواپیمای شوروی به این شهر و به آن ده افغانستان حمله می‌برند، نیروی محدود نظامی شوروی در افغانستان دخالتی در سرکوب گروه‌های مسلح ضدانقلابی نمی‌کند. این وظیفه را ارتش افغانستان و نیروهای مسلح خلقی افغانستان انجام می‌دهند. نیروهای مسلح شوروی فقط برای جلوگیری از خطر تهاجم امریکایی از خارج در افغانستان باقی است و باز چنانکه رسماً هم از سوی اتحاد شوروی وهم از سوی افغانستان اعلام شده، به محض اینکه این خطر رفع گردد، نیروی محدود نظامی شوروی افغانستان را ترک خواهد کرد.

از سوی دیگر، به این پرسش باید پاسخ داد که: اگر فرض کنیم که «مجاهدین» و «سازمان» افغانی به کمک آمریکا و چین و انگلیس و صدام الحاقی بتوانند حکومت کمونیستی افغانستان را از گون کنند، آنگاه در افغانستان چگونه رژیم برقرار خواهد شد؟ آیا تردید هست که این رژیم، رژیم طاغوتی و دست‌نشانده

مصادر مسئول جمهوری اسلامی ایران قرار دارند، گره کار شناخت این واقعیت است، ولی مگر امروز دیگر بقدر کافی روشن نشده است که امریالیست‌های آمریکائی و انگلیسی، چین ماوئیست، رژیم‌های دست‌نشانده پاکستان، مصر، اسرائیل، عربستان، عمان و دیگر نیروهای ارتجاعی منطقه‌ای که علیه افغانستان تشکیل داده‌اند؟ مگر امروز دیگر بقدر کافی آشکار نشده است که روسای هر ۵ سازمان عمده «سازمان» و «مجاهدان» افغانی، که علیه دولت افغانستان می‌جنگند، عمال امریالیسم آمریکا هستند، یا «سپا» سرورگان دارند، بوسیله امریکا و متحدان و دست‌نشانده‌های مسلح می‌شوند؟ درست است که اینان بنام اسلام با دولت افغانستان می‌جنگند، چون خلق افغانستان معتقد به

واقعیت اینست که این اسلام نیست که علیه افغانستان می‌جنگد و در افغانستان انقلابی رها از سلطه

در زمینه «غارتگری بزرگ مالکان و سرمایه‌داران» عمل می‌کند، در این حاکمیت کم‌شده موقتش موثر فلاح‌کننده خود را تا حدی از دست داده است. در نهادهای انقلابی، «کمیته‌های انقلابی» و سپاه پاسداران، این تقسیم قدرت باز هم بیشتر به سود نمایندگان و ایستگان به جناح مردمی است. البته این به آن معنا نیست که ایستگان به سرمایه‌داری لبرال، بزرگ مالکان و حتی عناصر وابسته به ضدانقلاب سازمان یافته در این نهادها، ریشه‌کن شده و حضور ندارند. برعکس و با کمال تأسف باید این واقعیت را کاملاً خمینی‌بارها یادآور شده‌اند، پذیرفت که این عناصر ضدانقلابی و سازشکار در همه این نهادها نفوذ کرده و با ماسک ریا و تزویر، با تظاهر به افراطی‌گری مذهبی، ستیز با هرگونه خواست به حق توده‌ها و هرگونه افکار آزادمنشانه مترقی و پیشرو، در جهت ایجاد ناراضی‌گری در میان مردم و تحریک تشنج و بی‌ثباتی عمل می‌کنند.

واقعیت و وظیفه نیروهای راستین انقلاب، این است که تمام نیرو از گرایش‌های ضد امریالیستی، مردمی و آزادی - خواهانه نیروهای موثر در حاکمیت کنونی پشتیبانی کنند، سمت‌گیری‌های محافظه‌کارانه، واپس‌گرایانه را افشا کنند و نیروهای راستین انقلاب را از زبان‌های جبران‌ناپذیر این گرایش‌ها برحذر دارند.

مگر روشن نیست که این «اسلام» طرفدار نفوذ ایدئولوژیک، طرفدار سرمایه‌داری وابسته و طرفدار سلطه امریالیسم، به سرکردگی امریکاست؟ مگر بقدر کافی معلوم نیست که «مسلمانان دوآتشه‌های» نظیر سادات‌ها، ضیاءالحق‌ها، ملک‌خاندان‌ها، ملک‌حسن‌ها، سلطان‌قاپوس‌ها و از این قبیل مسلمانان قلابی، عمال و کارگزاران واقعی امریالیسم، به سرکردگی امریکا هستند؟ مگر ما خودمان «اسلام آمریکائی» نداریم و به چشم خود نمی‌بینیم که این «اسلام آمریکائی» سرزگاری با اسلام راستین انقلابی با انقلاب ضد امریالیستی و مردمی و جمهوری اسلامی ایران ندارد؟ همین صدام جانی مگر به نام «اسلام» بر ما تهاجم نظامی نکرده است؟

واقعیت اینست که این اسلام نیست که علیه افغانستان می‌جنگد و در افغانستان انقلابی رها از سلطه

واقعیت اینست که این اسلام نیست که علیه افغانستان می‌جنگد و در افغانستان انقلابی رها از سلطه

از گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران:

ترکیب حاکمیت در مرحله نوین:

ازلحاظ پایگاه طبقاتی

عناصر حاکمیت کنونی کشور به طور عمده عبارتند از: نهادهای قانونی شامل مقام رهبری، رئیس‌جمهور، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی قضایی، دولت، شورای نگهبان قانون اساسی، سپاه پاسداران و نهادهای انقلابی یعنی دادگاه‌های انقلاب، کمیته‌های انقلاب، جبهه سازندگی، بنیاد مستضعفان و غیره. ترکیب طبقاتی این نهادها به‌طور عمده مخلوطی است از طبیف و ایستگان و نمایندگان اقشار گوناگون مردمی تا نمایندگان بورژوازی لیبرال - ولی تفاوت کیفی ترکیب حاکمیت کنونی با ترکیب دوران پیش از انتخاب نهادهای قانونی، دروزن مخصوص جناح‌های مختلف این طبیف در حاکمیت است. اگر در دوران دولت موقت و فعالیت شورای انقلاب دولت پیش از دولت کنونی، نمایندگان بورژوازی لیبرال وزن سنگینی را در حاکمیت دولتی تشکیل می‌دادند، در حاکمیت کنونی این وزن به میزان قابل توجهی سبک‌تر شده است. ترکیب اکثریت مجلس و ترکیب دولت کنونی بیان‌گر آن است که وزن نمایندگان اقشار گوناگون مردمی در حاکمیت قانونی سنگین شده است. سمت‌گیری اقدامات این حاکمیت هم، در همه زمینه‌ها یعنی هم در سیاست داخلی، هم در سیاست اقتصادی و هم در سیاست خارجی بیان‌گر این واقعیت است که وزن سرمایه‌داری لیبرال که با تمام نیروی خود در جهت سازش با امریالیسم آمریکا، مخالفت با هرگونه محدودیت

در نهادهای انقلابی، یعنی دادگاه‌های انقلاب، کمیته‌های انقلابی و سپاه پاسداران، این تقسیم قدرت باز هم بیشتر به سود نمایندگان و ایستگان به جناح مردمی است. البته این به آن معنا نیست که ایستگان به سرمایه‌داری لبرال، بزرگ مالکان و حتی عناصر وابسته به ضدانقلاب سازمان یافته در این نهادها، ریشه‌کن شده و حضور ندارند. برعکس و با کمال تأسف باید این واقعیت را کاملاً خمینی‌بارها یادآور شده‌اند، پذیرفت که این عناصر ضدانقلابی و سازشکار در همه این نهادها نفوذ کرده و با ماسک ریا و تزویر، با تظاهر به افراطی‌گری مذهبی، ستیز با هرگونه خواست به حق توده‌ها و هرگونه افکار آزادمنشانه مترقی و پیشرو، در جهت ایجاد ناراضی‌گری در میان مردم و تحریک تشنج و بی‌ثباتی عمل می‌کنند.

واقعیت و وظیفه نیروهای راستین انقلاب، این است که تمام نیرو از گرایش‌های ضد امریالیستی، مردمی و آزادی - خواهانه نیروهای موثر در حاکمیت کنونی پشتیبانی کنند، سمت‌گیری‌های محافظه‌کارانه، واپس‌گرایانه را افشا کنند و نیروهای راستین انقلاب را از زبان‌های جبران‌ناپذیر این گرایش‌ها برحذر دارند.

ساکنین «کوی شاهین» تهران را از شر به اصطلاح مبارزین افغانی نجات دهید

شکل آوارگان به اصطلاح مبارز افغانی هر روز ایجاب وسیع‌تری بخود می‌گیرد. ضدانقلابیون افغانی در گوشه و کنار مین مان‌ها کشته شده‌اند و هر روز مسئله جدیدی می‌آیند. کوی شاهین تهران که در نزدیکی آریشهر قرار دارد گرومات‌های برای مناسبت، حضور هم‌های افغانی و مزدبانی که مرتباً در این محله صورت می‌گیرد، باعث ناراحتی و نگرانی شدید ساکنین آن شده است. روزی نیست که اعمال افغانی‌ها در گوشه و کنار این منطقه مورد اعتراض مردم قرار نگردد. حتی چندبار هم بین افغانی‌های این محل و کارگران ایرانی ساکن کوی شاهین درگیری و کشاکش‌های پیش آمده، که یکبار منجر به خرد شدن تمام شیشه‌های نانوائی محل شده است. در ارتباط با مزدبانی که در کوی شاهین صورت گرفته، تاکنون چندین نفر از این افغانیها دستگیر شده‌اند.

مطلبی که جلب توجه می‌کند، حضور فردی است به نام «بسم‌الله‌خان» که خود را افسر فراری ارتش افغانستان معرفی می‌کند. این شخص که در سورمارکسی در همین محل کار می‌کند، رهبری افغانیهای کوی شاهین را برعهده دارد و افغانیهای محلات دیگر نیز به دیدن او می‌آیند. تجربه نشان میدهد که این دیدارها برای کمک به انقلاب ایران صورت نمی‌گیرد! «بسم‌الله‌خان» عکس رهبران احزاب آمریکائی - افغانی را نیز تکثیر کرده و به در و دیوار محل پخش کرده است. او مدتی ناپدید شده بوده که یگفته خودش به افغانستان رفته بود.

مضمون جلب توجه مقامات مسئول به این مساله، یازدیگر یادآور می‌شویم که باید یکبار و برای همیشه انقلاب ایران را از شر ضدانقلابیون افغانی رهائی بخشید.

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

دولت باید دست محکرمین و واسطه‌ها را کوتاه کند

یکی از نمایندگان خواستار اجرای اصول ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی شد.

طرح تشکیل «بنیاد امور جنگ‌زدگان» به تصویب رسید.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شده، یکی از نمایندگان خواستار حل بنیادی مسأله مسکن و اجرای اصول ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی شد.

تختین تعلق پیش از دستور جلسه دیروز، خانم اعظم طالقانی، نماینده تهران بود که ضمن سخنانی شایعه مربوط به طرح لایحه‌ای در مورد حجاب را تکذیب کرد. وی سپس بر ضرورت عدم وابستگی کشور تأکید کرد و گفت:

«(کشور) باید بتدریج با برنامه ریزی از وابستگی رها شود. در صورتیکه در گوشه و کنار چیزهایی شنیده می‌شود که برای آینده ایجاد نگرانی می‌کنند. تعلق آنگاه خواستار حل بنیادی مسأله مسکن شد و از دولت خواست که با سرعته بیشتری در جهت حل آن اقدام کند»

خانم طالقانی گفت: «از دولت خواهان اجرای اصل ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی هستم که بایستی پس از تصویب قانون اساسی اجرا می‌گردد. اصل ۴۹ باید هر چه زودتر توسط هیئت‌تعالیه‌ای اجرا شود»

وی در ادامه سخنان خود از دولت بدلیل عدم ارائه برنامه جهت حل مشکل بیکاری انتقاد کرد و هشدار داد: «چنانچه این مشکل رفع نشود، وابستگی ما روزافزون خواهد بود»

اعظم طالقانی با اشاره به مسأله گرانگیزی از دولت خواست که دست محکرمین و واسطه‌ها را از زندگی این ملت کوتاه کند. و افزود:

«اگر ما مواد لازم را نداشته‌ایم، این ملت تحمل نمی‌کند. ولی اکنون اکثر کالاها را داریم و در دست یک‌دسته‌های خاص قرار داده، باید چاره‌ای اندیشیده شود و نیازهای طبیعی و واقعی مردم از دست این عده خارج شود»

وی آنگاه ضمن اشاره به مشکل کمبود پزشک زن، از وزارت علوم و آموزش عالی خواست که تسهیلاتی جهت ادامه تحصیل زنان در رشته پزشکی ایجاد کند. اعظم طالقانی در پایان سخنان خود به حمله به جامه‌زنان امپفان اعتراض کرد و خواهان دستگیری حمله کنندگان شد.

دومین تعلق پیش از دستور، علیتی

تقوی، نماینده قاتان، بود که درباره سبیل اخیر خراسان توضیحاتی داد و خواستار رسیدگی به آن شد.

سومین تعلق پیش از دستور، اسدالله عالی‌پور، نماینده ایلام، در سخنانی از جمله تأکید کرد که سرمایه‌داران و فئودالها و افراسد مدعی و طاغوتی نه در جریان انقلاب شرکت داشتند و نه در جنگ تحمیلی. اخیر وی همچنین ضمن اشاره به مسأله کردستان گفت:

«ما باید عللی را که ضدانقلاب از آن استفاده کرده، تا در کردستان عزیز و بلوچستان و دیگر جاهای متوسطه نماید و در آنجا برای اغتشاش و شورش میدان بیاید، بررسی کنیم و با دزدان زخماهایی که مردم در طول تاریخ پس پندهای تحریف خود از بن‌عدالتیها و ظلم و جور و خفقان و سلب آزادیها تحمل کرده‌اند، راه نفوذ دشمن را در میان این برادران مسلمان و علاقتند به وحدت مسود کنیم، به آنان و به همه مردم استانها اعتبار ببخشیم و از رشد شخصیتشان جلوگیری نکنیم و آنان را در اداره امور مملکت و کارهای اجرایی دخالت دهیم»

آخرین تعلق پیش از دستور، لطیفه صفری، نماینده اسلام‌آباد غرب، بود. وی ضمن سخنانی از رادیو و تلویزیون انتقاد کرد و پرسید:

«چرا رادیو تلویزیون رسالتش را انجام نمی‌دهد که این همه (مردم) به منابع خبری بیگانه گوش می‌دهند»

وی درباره وضع زندگی مردم گفت: «با اینکه ۹۰ درصد مردم از حداقل امکانات رفاهی محرومند، آنبه‌بیکاران در هر گوشه‌ای مشهود است، گرانگیزداری می‌کند، فقر اقتصادی و محرومیت آنها حاجت به‌بیمان ندارد، چون خود رامسیم و شریک انقلاب می‌مانند، تا امروز ما علویطبع و هست‌والای خود دندان بر گلو گذاشته‌اند. ولی متأسفانه یا این‌همه خوبی، بجای چاره‌جویی برای رفع محرومیتها و احقاق حقوق مشروع مردم، برخورد مسئولین چنان بوده است که نتیجه‌ای جز جفجفی نبردها و هرزرفتن آن‌ها نداشته است»

تعلق از دولت خواست که برای اداره امور نواحی مختلف کشور از افراد متممده محلی استفاده شود و گفت: «این دور از انصاف است که باور کنیم در استانی یا هر ۱ میلیون نفر و آنهمه افراد تحصیل کرده، یک نفر متممده و مقبول پیدا نشود که استاندار و یا فرماندار یا حتی بخشدار شود و هم‌اکنون»

تشکیل ستاد کمک به سبیل زدگان بستک

پس از جاری شدن سبیل در بستک، آژسوی جمعیت هلال‌احمر اوز فارس، در تاریخ چهاردهم اردیبهشت‌ماه سال جاری، ستادی جهت کمک به سبیل‌زدگان تشکیل شد. در این ستاد یا هیات، اهل «هوز» «دیشهر» «تپه» «دکوره» و «هوز» و همچنین اعضاء و هواداران حزب توده ایران، کمکهای شایانی جمع‌آوری شده. ستاد مزبور جمعا مبلغ ۱۴ میلیون و ۳۸ هزار و ۹۰۰ ریال کمک نقدی، چند کامیون کپرسی و وانتبار مواد غذایی، پوشاک و مصالح ساختمانی جمع‌آوری

تخریبات ضد انقلاب ...

۱- تخریب از صفح ۱ از جوانمردان (فیروزی نظامی محلی متشکل از افراد بومی) مجلی و افراد ژاندارمری نغمه، در جاده نغمه - پیرانشهر؛ ۲- مین گذاری در جاده‌ها؛ ۳- تخریب خون‌های مکرر به مسافران در جاده ارومیه نغمه؛ ۴- پخش شایعات و رسع علیه مسئولین متممده و نهادهای انقلابی منطقه؛

افراد مراد قتلاری است، که نوشته روزنامه «جمهوری اسلامی» از قزولهای ضدانقلابی. سفاسد و عامل رژیم سابق است. این فرد متأسفانه هنوز پست خود را در میان جوانمردان، محلی حفظ کرده است. حوادث فوق، هشدار جدی به مسئولین است و از تسداری گسترده برای اجرای توطئه باند قلمسلو - صدام حسین، خبیر میدهند.

کمک مالی به حزب توده ایران

آرش به حزب مادرش ۵۰۰ ریال
بیزن ۴۰۰۰۰ ریال
کارکنان ن-ب ۹۰۰۰ ریال
۱- ح ۲۰۰۰۰۰ ریال
اهدائی فروغ ۲۰۰۰ ریال
بهن از آیکناز ۱۵۰۰ ریال
محمود از قزوین ۲۹۰۰ ریال

پیام شادباش

سازمان حزب توده ایران در یزد

به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسع)

کمیته مرکزی

رفقی گرامی کمیته مرکزی حزب توده ایران

هواداران و دوستان حزب توده ایران در استان یزد، تشکیل هفدهمین پلنوم (وسع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزب طرازین طبقه کارگر ایران را در این لحظات حلس پشما مسیانه تبریک می‌گویند و عهد می‌کنند که به مشی حزب، تا آخرین لحظه زکدگیشان، وقادار میمانند. موفقیت حزب را در مبارزه باظلم تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب آرزومندیم.

زنده باد حزب توده ایران، حزب طرازین طبقه کارگر ایران!

توطئه ترور یک پاسدار در قزوین

بدنبال شهادت مسئول بسیج اهواز و یکی از پاسداران تندروهای توسط عوامل ضدانقلابی در قزوین نیز به‌طور مشابهی یک پاسدار مورد سوء قصد قرار گرفت.

به همین مناسبت از طرق سپاه پاسداران قزوین اطلاعیه‌ای منتشر گردید، که در آن از جمله گفته می‌شود:

«دگره‌های خودفرخته آمریکایی، که تفسه‌های خائنه خود را نفس بر آب می‌ریزند، روز شنبه ۱۲ اردیبهشت ۶۰ شبانه به منزل یکی از برادران پاسدار یورش می‌برند. آنها با شلیک چند گلوله به‌طرف وی قصد فرور او را داشته‌اند که یکی از گلوله‌ها به وی اصابت نموده و او را مجروح می‌نمایند»

با کمال خوشوقتی توطئه ترور این پاسدار عظیم مانند ما ضمن جلب توجه مقامات مسئول به این توطئه جدید ضدانقلابی از آن‌ها می‌خواهیم که قاطعانه با ضدانقلاب برخورد کنند.

محصولات کشاورزی ارومیه در خطر نابودی است

محصولات کشاورزی و باغداری منطقه ارومیه در آستان فرسیدن سوم دفع آفات در خطر نابودی است. مولا خسرااله پس از خانه فصل یخبندان درختان میوه در منطقه ارومیه مسیاشی می‌شوند ولی اسال درآفرینون سوم دفع آفات در بازار این کار صورت نکرده است. همچنین علیرغم وجود جانوران موسوی، داروهای مثل قرصال (برای از بین بردن کبک)، فزیتون (برای از بین بردن کرم سیب) و غیره در بازار یافت نمی‌شود.

از طرف دیگر، باغداران و کشاورزان منطقه، شدیداً با کمبود روغن موتور برلی‌مانین-های کشاورزی مواجه هستند. در صورت بوقع فرسیدن این مواد و وسایل، خسارات قابل‌ملاحظه‌ای به کشاورزی و باغداری منطقه وارد خواهد شد. بر مسئولین وزارت کشاورزی است که با رسیدگی فوری به این مسئله، مانع از نابودی محصولات کشاورزی ارومیه‌شوند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!

شماره ۷ (اردیبهشت ماه) ضمیمه نامتوردم، برای

جوانان توده منتشر شد

در این شماره مطالب زیر را می‌خوانید:

- ★ صاحب یا دلق مرید فیروز، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، زنان در انقلاب و پس از آن، خاطراتی از سال‌های پس از شهریور ۴۰ و ۴۸ مردانه، سال‌های مهاجرت، مناسبات میان هسران جوان و ...
- ★ براساس رهنمودهای هفدهمین پلنوم (وسع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، در راه کسیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بکوشیم!
- ★ اهمیت و نقش برنامه‌ریزی در انجام وظایف انقلابی
- ★ میزگرد کارگران جوان درباره «ارتقاء تخصص»
- ★ گفتگویی با اربین هونگر: از زندانهای فلسطین تا ساختمان زندگی نو
- ★ نظام تک حزبی یا چندحزبی در کشورهای سوسیالیستی
- ★ گفتگویی با منصور برزگر و رضا سوخته‌سرای قهرمانان ورزش ایران و جهان
- ★ مطالب سیاسی، هنری، ورزشی، داستان، شعر، سرگرمی و ...

در حاشیه ...

بنی احمد چگونه از ایران رفت؟

دکتر نظری وزیر اقتصاد و دارائی، در پاسخ دکتر آیت، از جمله اشاره کرد که عده‌ای از نمایندگان مجالس طاغوتی از ایران گریختند. حجت‌الاسلام خلخالی گفت: «آقای نظری گفتند که اینها در رفتند، نه آقای بنی‌احمد را گذرانده دادند زفت».

کمک مالی به حزب توده ایران

آرش به حزب مادرش ۵۰۰ ریال
بیزن ۴۰۰۰۰ ریال
کارکنان ن-ب ۹۰۰۰ ریال
۱- ح ۲۰۰۰۰۰ ریال
اهدائی فروغ ۲۰۰۰ ریال
بهن از آیکناز ۱۵۰۰ ریال
محمود از قزوین ۲۹۰۰ ریال

درباره تحریم فروش غله آمریکا به اتحاد شوروی و لغو آن

مرک فاجعه آمیز «بای سنترز» مبارز ایرلندی سند تازه‌ای است بر محکومیت امپریالیسم در دادگاه تاریخ

مرک فاجعه آمیز «بای سنترز» مبارز ایرلند شمالی، در همه کشورهای جهان موجی از خشم و نفرت و اعتراض علیه رفتار ددمنشانه دولت انگلیس نسبت به مبارزان راه استقلال و آزادی برانگیخته است. دولت انگلیس با امتناع از خوست عادلانه «بای سنترز» در مورد شناسایی حقوق زندانیان سیاسی برای مبارزان ایرلندی، یا خوشروی و قسوت آدمکشان حرفه‌ای، بی‌مزدگی قربانی خود پایان بخشید.

«بای سنترز» که به نشانه پشتیبانی مردم از مبارزات حق طلبانه وی در همان زندان، به نمایندگی پارلمان انگلیس برگزیده شده بود، توانست در خلال کابینه مستعفی، اعتراضات خلقی را که به آن تعلق داشت، از سیاست اشتراک‌گرا نه و فاشیستی دولت انگلیس نسبت به مردم ایرلند شمالی ابراز کند. وی موفق شد که از پشت تریبون پارلمان انگلیس خوشروها و بی‌مصلحت‌پسندی را که دولت انگلیس نسبت به همبختانش اعمال می‌کند، بیان بارد و از حقوق و استقلال ملی آنان دفاع کند. اما «بای سنترز» یا اینبار جان خود به این هدف نائل آمد که، ندای حق طلبانه وی و همروانش به گوش جهان برسد و با مرگ، خون سندن تازه‌ای از محکومیت امپریالیسم را در برابر دادگاه تاریخ ارائه دهد.

مرک فاجعه آمیز «بای سنترز» به‌فراست سیاه جنایات پشمار امپریالیسم انگلستان، از تمییز نژادی و ترور و زورگویی، که از جمله نصیب صدها هزار تن از مبارزان ایرلند شمالی و سایر خلقهای جهان گشته، آفریده میشود و تمامی مایه‌تشت و نفرت‌بانگیز امپریالیسم ددمنش را به نمایش می‌گذارد.

مردم سراسر جهان، در عین حال که در برابر پایداری قهرمانانه «بای سنترز» در مقابل زور و ستم سرکشی و ستایش فرود می‌آورند، به ترویج و دفاع از سیاست امپریالیستی بیش از پیش آگاه میشوند. مبارزات قهر نصیب‌توز امپریالیسم، مبارزان ایرلند شمالی راه که در راه استقلال و کسب حقوق و آزادی ملی خود مبارزه میکنند، «حقیقت تروریست» جدا از مردم مرگند و می‌خواهد به‌زور ارتش اشغالی آنها را سرکوب کند. روزنامه «ریگان» رئیس‌جمهور آمریکا، جنبشهای رهبری‌ش خلقها در مناطق مختلف جهان را «تروریسم بین‌المللی» می‌نامد و علیه این جنبشها حملات جنگ‌سینه‌دهنده، بدین ترتیب امپریالیسم جهانی، بصر کردگی امپریالیسم جهانخواه آمریکا، مخالفت و ستیزه‌جویی خود را با همه خلقهایی که در راه رهایی از بندهای توأستمداری و وابستگی امپریالیستی، بی‌اختیار و بی‌میل و استقلال و آزادی میهن خود مبارزه میکنند، اعلام کرده است و سرکوب این خلقها را با نیروی نظامی از حقوق و وظایف خود میدانند.

اما مرک فاجعه آمیز «بای سنترز» مبارز ایرلندی، در واقع عکس این اهدای تاجر و ریگان را در مورد جنبشهای رهبری‌ش خلقها به‌آیات رسانید و نشان داد که این دول امپریالیستی هستند که سیاست تروریستی و آدمکشی را نسبت به مبارزان راه استقلال و آزادی دیدش گرفته‌اند. در تاریخ مبارزات رهبری‌ش خلقهای جهان، نمونه‌های تکاندهنده فراوانی از عملیات تروریستی و کشتارهای دستجمعی تبه‌دوستان از جانب امپریالیسم آمریکا و دیگر دول امپریالیستی و رژیم‌های دست‌نشانده آنها وجود دارد.

از جمله سیاست دولت آمریکا و دیگر دول امپریالیستی از همان آغاز اوج‌گیری جنبش انقلابی در چین ما و پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ما سیاست توطئه، تجاوز و ترور و آدمکشی بوده است. ولی اقدام انقلابی دانشجویان مسلمان بیرو خط امام در تسخیر جاسوسخانه آمریکا، که بازتابی از خشم و نفرت صبیق مردم چین ما نسبت به توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ما بود، از جانب مقامات رسمی آمریکا یک «تروریستی» نامیده شد.

ریگان، پس از احراز مقام ریاست جمهوری آمریکا، طریقه مسلحانه مطبوعاتی اظهار داشت که آمریکا تمایلیست برای آزادی «گروگانها» مذاکره می‌کند، بلکه مریایست «ارتش توطئه» میدان ریگان گفت که بازداشت «گروگانها» یک «فاجعه جنگی» بوده و «گروگان» گریها «آدم‌بره» هستند، دیگر مقامات رسمی آمریکا نیز دانشجویان مسلمان بیرو خط امام را «تروریست» نامیدند. و این درست در حالی بود که امپریالیسم آمریکا در تجاوز نظامی طیس و توطئه کودتای نژادی علیه جمهوری اسلامی ایران، کشتار جمعی میلیونها نفر از همبختان ما را طرح‌ریزی کرده بود، یعنی تجاوز و توطئه‌ای که در واقع طرح عملیات تروریستی در سطح سیاست رسمی دولت آمریکا بود.

مرک فاجعه آمیز «بای سنترز» مبارز ایرلندی، تأییدی بر این واقعیت است که سیاست دول امپریالیستی در رویارویی با مبارزات حق طلبانه خلقها سیاست تروریستی و آدم‌کشی است و هر کجا که خلقها به مبارزه در راه رهایی از بندهای استعماری و توأستمداری امپریالیستی و بی‌ظلمی کسب استقلال ملی برمی‌خورند، امپریالیسم جهانی، بصر کردگی آمریکا، چهره کریه و ضدانسانی خود را از پرده بیرون می‌آورد و ددمنشانه‌ترین شیوه‌های سرکوب و ترور را بکار می‌برد.

غله به اتحاد شوروی قتل نخواهد شد دولت فرانسه نیز از دیوار مشترک اروپا خواسته است که بیدریگ محدودیت فروش غله به اتحاد شوروی را لغو کند.

از جانب دیگر، چنانکه آمارهای رسمی منتشره نشان میدهد، اولاً آخرین مقدار غله‌ای که اتحاد شوروی تولید کرده است (۲۳۵ میلیون تن) حدود ۱۴ برابر مقدار است که آمریکا (۱۷ میلیون تن) از فروش آن به کشورهای خود را خریداری کرده بود. ثانیاً - غلات خریداری اتحاد شوروی از آمریکا قوت است، که بطور عمده برای رفع نیازمندیهای روزافزون راهبردی گسترش یافته آن کشور بکار می‌رود. اقتصادیات سوسیالیستی بی‌مهران، و برنامه‌ریزی شده آن کشور سال گذشته بدون خرید غلات از آمریکا نیز از عهده رفع آن نیازمندیها کاملاً برآمده است. شرکت فعال اتحاد شوروی در مناسبات اقتصادی جهانی بطور کلی و در بازرگانی بین‌المللی بویژه (از آن جمله در خرید و فروش غلات) نشانه بارز قدرت اقتصادی و امکانات گسترده بازرگانی آن کشور است.

هر گونه اطلاعات غالب میشوند آمارهای رسمی منتشره نشان میدهد که میانگین سالانه تولید غله در اتحاد شوروی (علیرغم نوسانات سالانه ناشی از تغییرات آب و هوا) همواره افزایش یافته است:

در سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ بالغ بر ۱۳۰۰۳ میلیون تن در سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۹ بالغ بر ۱۶۷۶ میلیون تن در سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ بالغ بر ۱۸۱۶ میلیون تن و در دهمین برنامه پنجساله ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۹ بالغ بر ۲۰۵ میلیون تن بوده است. افزایش میانگین سالانه تولید غله برای برنامه پنجساله یازدهم (۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴) در حدود ۲۳۸ تا ۲۴۳ میلیون تن در نظر گرفته شده است.

برای آن «تورسین» هائی که از اطلاعات «امپریالیسم خبری» تابع نظریه «درباره عقب‌ماندگی اتحاد شوروی» و قسود نبودن سوسیالیسم علمی به‌ر فوایدش برای ایستادگی میکشند، کافسی است در این ارتباط یک پیکره دیگر را نیز یادآوری کنیم: در عرض مدت ۶۰ سال حکومت شوروی، تولید غله در

رشته‌های گروهی خیر دادند که رئیس جمهور آمریکا روزنامه ریگان، تحریم صدور غله از آمریکا به اتحاد شوروی را لغو کرد.

تقسیم به تحریم فروش غله آمریکا به اتحاد شوروی در دیماه ۱۳۵۸، پس از مباحثات زیان توسط حکومت کالتر گرفته شد. هم‌اکنون سیاستمداران آمریکائی، از جمله جان پلک وزیر کشاورزی، با این عمل دولت مخالف بودند، زیرا این اقدام کالتر را بیش از هر چیز به زیان کشاورزان آمریکا (فازرها) میدانستند. به دنبال دولت آمریکا، مبارزات مشترک اروپا نیز، که آلتی در دست محافظ امپریالیستی اروپای غربی وابسته به امپریالیسم، محدودیت، حاتی برای فروش غله به اتحاد شوروی مقرر داشت، حتی دولت استرالیا هم به پیروی از امپریالیسم آمریکا فروش غله به اتحاد شوروی را محدود کرد.

«امپریالیسم خبری»، که برای فریب افکار عمومی و گسترش تبلیغات ضد شوروی از هر رویدادی بهره‌برداری میکنند، در صدد استفاده از این اقدام کالتر برآمدند. مسئله را چنین وانمود میکنند که گویا این دولت شوروی است که سخت نیازمند خرید غله از آمریکاست، یعنی «تخصمان» شوروی - ستیزی تا بدانجا پیش رفته که حتی از احتمال «گرسنه ماندن مردم شوروی» سخن میان‌آوردند، لیکن سرانجام واقعیات بر

گفتگوهای ایندیانا گاندی و رهبران کویت درباره اوضاع منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند

در کویت، گفتگو میان رهبران این کشور و خانم ایندیانا گاندی، نخست‌وزیر هند، که از کویت دیدار میکنند، آغاز گشت. در این دیدار رسمی، که سه روز طول خواهد کشید، مسائل داد بین‌المللی بررسی خواهد شد. در این زمینه، کوشش برای تشویش در خلیج فارس و اقیانوس هند نقش ویژه خواهد داشت. در ماههای اخیر، فعالیت نظامی ایالات متحده آمریکا به‌ر خرامت اوضاع در این منطقه انجامیده است. به گزارش «آسوشیئید پریس»، پیششادهای سازنده تولیدی در ف دروازه عالی‌سازی اوضاع در خلیج فارس یکی از مهم‌ترین مسائل مورد بحث خواهد بود.

اشریقای جنوبی تجاوزی را علیه زیمبابوئه تدارک می‌بیند

یکتبه وزیر کشور زیمبابوئه، نژادپرستان آفریقای جنوبی تجاوزی را علیه زیمبابوئه تدارک می‌بینند. وی که در گفتارهای مطبوعاتی در سالیسبوری شرکت میکرد، گفت: «فیشاک تجاوزکاران، ۵۰۰۰ مزدور خواهند بود که اکنون در اردوگاههای ویژه در آفریقای جنوبی آموزش می‌بینند. وزیر کشور زیمبابوئه یادآور شد که: «رژیم آپارتاید، با برخورداری از پشتیبانی وسیع ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی، به‌ایستادگی، نه تنها در زیمبابوئه، بلکه همچنین در آنگولا، موزامبیک و زامبیا کوشش می‌ورزد».

انگیزه عمده استراتژی امپریالیستی واشینگتن سیادت نظامی بر مناطق ثروت خیز است

«هر روز»، در مقاله مهمی که در روز ۲۰ اردیبهشت ۶۰ چاپ کرد، نوشته است که: «انگیزه عمده استراتژی امپریالیستی ایالات متحده آمریکا، میل «واشینگتن» به سیادت نظامی بر مهم‌ترین منابع مواد خام و انرژی در جهان است. ایالات متحده، می‌اندیشد که، از انرژی، آسانتر خواهد توانست اراده خود را بر دیگر کشورها تحمیل کند و رهبری خوش را در جهان سرمایه‌داری تحمیل بخشد. «نوشته «هر روز» «این هدیه» را همچنین در سیاست تباری سلاشکارانه با آفریقای جنوبی میتوان مشاهده کرد، که از نظر منابع مواد خام استراتژیک، کشوری غنی است. «هر روز» می‌افزاید: «همین مقاصد انگیزه تمرکز نیروهای دریایی «واشینگتن» در منطقه ثروت خیز خلیج فارس و تشکیل هم‌اکنون واکتس سریع بوده است».



دانشجویان صد کشور رشد یافته جهان در کشورهای سوسیالیستی بطور رایگان تحصیل می‌کنند

در سالهای هفتاد کنگره‌های کشورهای شوروی همجاری اقتصادی به کشورهای رشد یافته دو برابر شد. اکنون ۴۳ هزار دختر و پس جوان از صد کشور رشد یافته جهان بطور رایگان در دانشگاهها و مدرسه‌های عالی اتحاد شوروی، لهستان، جمهوری دمکراتیک آلمان، بلغارستان، چکسلواکی، مجارستان به تحصیل مشغولند.

انتقاد شدید رهبران قبیله‌های سرخپوست از دولت ریگان

در ایالات متحده آمریکا، رهبران بیش از ۱۵۰ قبیله سرخپوست از دولت ریگان انتقاد شدید کرده‌اند که حقوق مردم بومی این کشور را نادیده میکشد. رهبران قبایل سرخپوست، در یک گردهمایی در واشینگتن، تهدید کردند که چنانچه دولت آمریکا کماکان به نقض حقوق آنان ادامه دهد به دادگاه بین‌المللی لاهه یا سازمان ملل متحد شکایت خواهند برد.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

مدیر مسئول:
منوچهر بیژادی
تیراژ: ۱۶۱۶ نفر شماره ۶۸

(فصلنامه مردم)
هفتاد و دو اکتبر
فصلنامه مردم نیست)

چاپ: کاویان
NAMEH MARDOM
No. 509
11 May 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی میتوانند به آدرس زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند.
صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۹
۱۴ پستی تهران